

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَفْتِحُ مَقَالِي، وَبِشُكْرِكَ أَسْتَنْجِحُ سُؤَالِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فِي كُلِّ أَحْوَالِي، وَإِيَّاكَ أَمَلُ فَلَا تُخَيِّبْ أَمَالِي.
خداوندا با یاد تو گفتارم را آغاز می‌کنم و با سپاست برای خواسته‌ام کامیابی می‌طلبم، و بر تو توکل می‌کنم در همه حالت‌هایم، و تنها تو را آرزومندم پس آرزوهایم را ناکام مفرما.

اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَعِيدُ وَأَعْتَصِمُ، وَبِرُكْنِكَ الْوُدُّ وَأَتَحَرِّمُ، وَبِقُوَّتِكَ أَسْتَجِيرُ وَأَسْتَنْصِرُ، وَبِنُورِكَ أَهْتَدِي وَأَسْتَبْصِرُ، وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ وَأَعْبُدُ، وَإِلَيْكَ أَقْصِدُ وَأَعْمَدُ، وَبِكَ أُخَاصِمُ وَأُجَادِلُ، وَمِنْكَ أَطْلُبُ مَا أُحَاوِلُ، فَأَعِنِّي يَا خَيْرَ الْمُعِينِينَ، وَقِنِي الْمَكَارَةَ كُلَّهَا يَا رَجَاءَ الْمُؤْمِنِينَ.

خداوندا به یاد تو پناه می‌برم و عصمت می‌جویم، و به قدرتت پناه می‌گیرم و کمر می‌بندم، و به نیرویت پناه می‌جویم و یاری می‌خواهم، و به نور تو هدایت می‌یابم و بینایی می‌طلبم، و تنها از تو یاری می‌جویم و تو را می‌پرستم، و به سوی تو قصد می‌کنم و تکیه می‌نمایم، و به تو مخاصمه و مجادله می‌کنم، و از تو می‌خواهم آنچه را در نظر دارم. پس مرا کمک کن ای بهترین کمک دهندگان، و مرا از همه ناخوشایندها حفظ کن ای امید مؤمنان.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَذْكُورِ بِكُلِّ لِسَانٍ، الْمَشْكُورِ عَلَى كُلِّ إِحْسَانٍ، الْمَعْبُودِ فِي كُلِّ مَكَانٍ، مُدَبَّرِ الْأُمُورِ، وَمُقَدَّرِ الدُّهُورِ، وَالْعَالِمِ بِمَا تُجَنُّهُ الْبُحُورُ، وَتَكْتَنُهُ الصُّدُورُ، وَيُخْفِيهِ الظَّلَامُ، وَيَبْدِيهِ النُّورُ الَّذِي حَارَ فِي عِلْمِهِ الْعُلَمَاءُ، وَسَلَّمَ لِحُكْمِهِ الْحُكَمَاءُ، وَتَوَاضَعَ لِعِزَّتِهِ الْعُظَمَاءُ، وَفَاقَ بِسَعَةِ فَضْلِهِ الْكُرَمَاءُ، وَسَادَ بِعَظِيمِ حِلْمِهِ الْحُلَمَاءُ.

سپاس خدای را که یاد شده به هر زبانی، سپاس گفته شده بر هر احسانی، پرستیده شده در هر مکانی، تدبیرکننده کارها، و تقدیرکننده زمان‌ها، و آگاه به آنچه دریاها می‌پوشانند، و سینه‌ها پنهان می‌دارند، و تاریکی‌ها مخفی می‌سازند، و آشکارش می‌گرداند نور، کسی که علما در علمش سرگردانند، و حکما تسلیم حکمش گشته‌اند، و تواضع نمود در برابر عزتش بزرگان و با وسعت فضلش برتر گشت از کریمان، و با بردباری عظیمش سروری یافت بر اهل بردباری.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ مِنْ أَنْتَصَرَ بِذِمَّتِهِ، وَلَا يُفْهَرُ مِنْ اسْتَتَرَ بِعَظَمَتِهِ، وَلَا يُكْدَى مِنْ أَدَاعَ شُكْرِ نِعْمَتِهِ، وَلَا يَهْلِكُ مَنْ تَعَمَّدَهُ بِرَحْمَتِهِ، ذِي الْمِنَنِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا الْعَادُّونَ، وَالنَّعَمِ الَّتِي لَا يُجَازِيهَا الْمُجْتَهِدُونَ، وَالصَّنَائِعِ الَّتِي لَا يَسْتَطِيعُ دَفْعَهَا الْجَاحِدُونَ، وَالذَّلَائِلِ الَّتِي يَسْتَبْصِرُ بِنُورِهَا الْمَوْجُودُونَ. أَحْمَدُهُ جَاهِرًا بِحَمْدِهِ، شَاكِرًا لِرِفْدِهِ، حَمْدًا مُوَفِّقًا لِرُشْدِهِ، وَاثِقًا بِوَعْدِهِ، لَهُ الشُّكْرُ الدَّائِمُ، وَالْأَمْرُ اللَّازِمُ.

و سپاس خدای را که شکست نمی خورد هر که یاری بجوید به امان و ضمان او، و مغلوب نمی گردد آنکه به عظمتش پوشش گرفت، و اندک نمی شود خیر آنکه شکر نعمتش را آشکار کند، و هلاک نمی گردد آنکه او را با رحمتش فرا گیرد، دارنده منتهایی که شمارش کنندگان آنها را به شمار نیاورند، و نعمت هایی که کوشش کنندگان آنها را پاداش ندهند، و نیکی هایی که منکران قادر به دور کردنشان نیستند، و دلایلی که بینا می شوند به نور آنها موجودات. سپاس می گویم او را آشکارا به حمدش، سپاسگزار لطفش، سپاس کسی که موفق است به هدایتش، اطمینان دارد به وعده اش، شکر جاودان و فرمان واجب اطاعه برای او است.

اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَسْأَلُ، وَبِكَ أَتَوَسَّلُ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَبِفَضْلِكَ أَعْتَصِمُ، وَبِحَبْلِكَ أَعْتَصِمُ، وَفِي رَحْمَتِكَ أَرْغَبُ، وَمِنْ نِعْمَتِكَ أَرْهَبُ، وَبِعَوْنِكَ أَسْتَعِينُ، وَلِعَظَمَتِكَ أَسْتَكِينُ.

خداوندا تنها از تو درخواست می کنم و به تو متوسل می شوم و بر تو توکل می نمایم، و از فضل تو بهره مند می شوم و به ریسمانت چنگ می زنم و به رحمت مشتاقم، و از انتقامت می هراسم، و از یاریات کمک می جویم، و برای عظمتت خوار و ذلیلم.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَلِيُّ الْمُرْشِدُ، وَالْغَنِيُّ الْمُرْفِدُ، وَالْعَوْنُ الْمُؤَيَّدُ، الرَّاحِمُ الْغَفُورُ، وَالْعَاصِمُ الْمُجِيرُ، وَالْقَاصِمُ الْمُبِيرُ، وَالْخَالِقُ الْحَكِيمُ، وَالرَّازِقُ الْكَرِيمُ، وَالسَّابِقُ الْقَدِيمُ.

خداوندا تو سرپرست راهنمایی و بی نیاز عطاکننده، و یاور تاییدکننده، رحم کننده آمرزنده، و پناه دهنده حمایت کننده، و در هم کوبنده هلاک کننده، و آفریدگار حکیم، و روزی دهنده بزرگوار، و سابق قدیم هستی.

عَلِمْتَ فَخَبَّرْتَ، وَحَلِمْتَ فَسَتَرْتَ، وَرَحِمْتَ فَغَفَرْتَ، وَعَظَمْتَ فَفَقَّهَرْتَ، وَمَلَكَتَ فَاسْتَأْتَرْتَ، وَأَدْرَكَتَ فَاقْتَدَرْتَ، وَحَكَمْتَ فَعَدَلْتَ، وَأَنْعَمْتَ فَأَفْضَلْتَ، وَأَبْدَعْتَ فَأَحْسَنْتَ، وَصَنَعْتَ فَأَتَّقَنْتَ، وَجَدْتَ فَأَعْنَيْتَ، وَأَيَّدْتَ فَكَفَيْتَ، وَخَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ، وَوَفَّقْتَ فَهَدَيْتَ.

دانستی و آگاه شدی، و بردباری نموده پوشاندی، و رحم کردی و آمرزیدی، و عظمت یافته و مغلوب نمودی، و مالک شدی و بزرگی کردی، و دریافتی و قدرتمند شدی، و حکم کردی و عدالت نمودی، و نعمت دادی و افزون کردی، و پدید آوردی و نیکو ساختی، و ساختی و محکم نمودی، و بخشیدی و بی‌نیاز کردی، و تایید کردی و کفایت نمودی، و آفریدی و درست نمودی، و توفیق دادی و هدایت کردی.

بَطَّنْتَ الْغُيُوبَ فَخَبَّرْتَ مَكْتُونِ أَسْرَارِهَا، وَحَلَّتْ بَيْنَ الْقُلُوبِ وَبَيَّنَّ تَصَرُّفَهَا عَلَى اخْتِيَارِهَا، فَأَيَّقْتَ الْبَرَايَا أَنَّكَ مُدَبِّرُهَا وَخَالِقُهَا، وَأَدْعَنْتَ أَنَّكَ مُقَدِّرُهَا وَرَازِقُهَا، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا.

به درون غیب‌ها راه یافتی و رازهای پوشیده آنها را دانستی، و جدایی افکندی میان دل‌ها و میان تصرفات اختیاری آنها، و به آفریدگان یقین دادی که تو تدبیرکننده آنان و آفریدگارشان هستی، اقرار نمودند که تو تقدیرکننده و روزی‌دهنده آنها هستی، نیست پروردگاری جز تو، بلند مرتبه‌ای از آنچه ستمکاران می‌گویند، بلندی بسیاری.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَنْتَ أَقْرَبُ الشَّاهِدِينَ، وَأَشْهَدُ مَنْ حَضَرَنِي مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ.

خداوندا تو را گواه می‌گیرم و تو نزدیکترین گواهان هستی، و گواه می‌گیرم هر کس را که نزد من حاضر است از فرشتگان مقربت و بندگان صالحت، و از جن و انس همگی آنها را.

أَنِّي أَشْهَدُ بِسَرِيرَةٍ زَكِيَّةٍ، وَبَصِيرَةٍ مِنَ الشَّكِّ بَرِيَّةٍ، شَهَادَةً أَعْتَقِدُهَا بِإِخْلَاصٍ وَإِيقَانٍ، وَأَعِدُّهَا طَمَعًا فِي الْخَلَاصِ وَالْأَمَانِ، أَسْرَهَا تَصَدِيقًا بِرُبُوبِيَّتِكَ، وَأُظْهِرُهَا تَحْقِيقًا لَوْحَدَانِيَّتِكَ لِأَصْدُ عَنْ سَبِيلِهَا، وَلَا أَلْحَدُ فِي تَأْوِيلِهَا، أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي لِأَشْرِكُ بِكَ أَحَدًا، وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَدًا، لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ، الْوَاحِدُ الَّذِي لَا يَدْخُلُ فِي عَدَدِهِ، وَالْفَرْدُ الَّذِي لَا يُقَاسُ بِأَحَدٍ، عَلَا عَنِ الْمُشَاكَلَةِ وَالْمُنَاسَبَةِ، وَخَلَا مِنَ الْأَوْلَادِ وَالصَّاحِبَةِ، سُبْحَانَهُ مَنْ خَالِقِ مَا أَصْنَعُهُ، وَرَازِقِ مَا أَوْسَعُهُ، وَقَرِيبِ مَا أَرْفَعُهُ، وَمُجِيبِ مَا أَسْمَعُهُ، وَعَزِيزِ مَا أَمْنَعُهُ، ﴿لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾.

همانا من گواهی می‌دهم با درونی پاک و بصیرتی خالی از شک، گواهیی که آن را معتقدم با اخلاص و یقین، و آن را آماده ساختم به طمع در رهایی و ایمنی، آن را پنهان می‌دارم در تصدیق به پروردگاری‌ات، و آشکار می‌سازم برای تثبیت یگانگی‌ات، نه از راهش باز می‌گردم، و نه در تأویل آن کفری می‌ورزم، همانا که تنها تو

خداوند هستی پروردگار من، کسی را شریک تو قرار نمی‌دهم و نمی‌یابم پناهی غیر از تو، نیست خداوندی جز خداوند یکتای بی‌انباز، یگانه‌ای که وارد نمی‌شود در ردیف عدد، و فردی که با کسی قیاس نشود، بالاتر است از هم‌شکل بودن و همانند داشتن، و دور است از داشتن فرزندان و همسر، پاک است او، آفریدگاری که چه سازنده است او، و روزی‌دهنده‌ای که چه گسترده است، و نزدیکی که چه بلند مرتبه است، و اجابت کننده‌ای که چه شنواست، و عزیزی که چه بازدارنده است «او راست صفات والا در آسمان‌ها و زمین و او عزیز و حکیم است.»

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا نَبِيَّهِ الْمُرْسَلُ، وَوَلِيُّهُ الْمَفْضَلُ، وَشَهِيدُهُ الْمُعَدَّلُ، الْمُؤَيَّدُ بِالنُّورِ الْمُضِيِّ، وَالْمُسَدَّدُ بِالْأَمْرِ الْمَرْضِيِّ، بَعَثَهُ بِالْأَوَامِرِ الشَّافِيَةِ، وَالرَّوَاغِرِ النَّاهِيَةِ، وَالِدَلَائِلِ الْهَادِيَةِ، الَّتِي أَوْضَحَ بُرْهَانَهَا، وَشَرَحَ بَيَانَهَا فِي كِتَابِ مُهَيِّمِنٍ عَلَى كُلِّ كِتَابٍ، جَامِعٍ لِكُلِّ رُشْدٍ وَصَوَابٍ، فِيهِ نَبَأُ الْقُرُونِ وَتَفْصِيلُ الشُّؤُونِ، وَفَرَضُ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، وَالْفَرْقُ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، فَدَعَى إِلَى خَيْرٍ سَبِيلٍ، وَشَفَى مِنْ هِيَامِ الْغَلِيلِ، حَتَّى عَلَا الْحَقُّ وَظَهَرَ، وَزَهَقَ الْبَاطِلُ وَانْحَسَرَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً مُمَهَّدَةً، لِاتْتَقِضِي لَهَا مُدَّةً، وَلَا تَنْحَصِرُ لَهَا عِدَّةً.

و گواهی می‌دهم که محمد پیامبر فرستاده اوست، و ولی برتر، و گواه پاک گشته تأیید شده با نور درخشانده و توفیق یافته با امر پسندیده، فرستاد او را با فرمان‌های شفافبخش، و نهی کننده‌های بازدارنده، و دلایل هدایت کننده، که واضح نمود برهان آنها را، و توضیح داد بیان شان را در کتابی که بر هر کتابی برتر است، گردآورنده هر رشد و صواب است که در آن است خیر زمان‌های گذشته و شرح امور، و وجوب نماز و روزه، و فرق میان حلال و حرام، پس فراخواند به سوی بهترین راه، و شفا بخشید از تشنگی گدازنده، تا اینکه حق بلندی یافت و آشکار گشت، و باطل نابود شد و از میان رفت، درود خداوند بر او و خاندانش باد، درودی همیشگی و آماده گشته، که پایان نمی‌یابد آن را مدتی، و منحصر نمی‌گردد برای آن عده‌ای.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا جَرَّتِ النُّجُومُ فِي الْأَبْرَاجِ، وَتَلَاطَمَتِ الْبُحُورُ بِالْأَمْوَاجِ، وَمَا ادْلَهَمَّ كَيْلٌ دَاجٍ وَأَشْرَقَ نَهَارٌ ذُو إِبْتِلَاجٍ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَعَاقَبَتِ الْأَيَّامُ، وَتَتَاوَبَتِ الْأَعْوَامُ، وَمَا خَطَرَتِ الْأَوْهَامُ، وَتَدَبَّرَتِ الْأَفْهَامُ، وَمَا بَقِيَ الْأَنَامُ.

خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد تا مادامی که ستارگان در برج‌ها حرکت کنند و متلاطم شوند دریاها با موج‌ها، و تیره گردد شب تاریک و بدرخشد روز روشنی بخش، و درود فرست بر او و خاندانش تا هنگامی که

روزها در پی هم آیند، و سالها به هم بیوندند، و اوها بر خاطرها گذرد، و خردها در اندیشه باشد، و تا وقتی که آفریدگان باقی باشند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، وَعَلَى عِتْرَتِهِ النَّجَبَاءِ الْخَيْرَةِ الْأَصْفِيَاءِ، صَلَاةً مَقْرُونَةً بِالنَّمَامِ وَالنَّمَاءِ، وَبِاقِيَةِ بِلَا فَنَاءٍ وَلَا انْقِضَاءٍ.

خداوندا درود فرست بر محمد خاتم پیامبران و خاندانش نیکان با تقوا، و بر عترتش پاکان خوب برگزیده شده، درودی همراه با کمال و فروزی، و جاودان بدون نیستی و یا پایان.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَوْسَطَهَا، وَمِنَ الْعِبَادَةِ أَنْشَطَهَا، وَمِنَ الزِّيَادَةِ أَبْسَطَهَا، وَمِنَ الْكِرَامَةِ أَغْبَطَهَا، وَمِنَ السَّلَامَةِ أَحْوْطَهَا، وَمِنَ الْأَعْمَالِ أَوْسَطَهَا، وَمِنَ الْأُمُورِ أَوْفَقَهَا، وَمِنَ الْأَقْوَالِ أَصْدَقَهَا، وَمِنَ الْمِحَالِ أَشْرَفَهَا، وَمِنَ الْمَنَازِلِ أَلْطَفَهَا، وَمِنَ الْحِيَاطَةِ أَكْنَفَهَا، وَمِنَ الرَّعَايَةِ أَعْظَمَهَا، وَمِنَ الْعِصْمَةِ أَكْفَاهَا، وَمِنَ الرَّاحَةِ أَشْفَاهَا، وَمِنَ النُّعْمَةِ أَوْفَاهَا، وَمِنَ الْهِمَمِ أَعْلَاهَا، وَمِنَ الْقِسَمِ أَسْنَاهَا، وَمِنَ الْأَرْزَاقِ أَغْزَاهَا، وَمِنَ الْأَخْلَاقِ أَطْهَرَهَا، وَمِنَ الْمَذَاهِبِ أَقْصَدَهَا، وَمِنَ الْعَوَاقِبِ أَحْمَدَهَا، وَمِنَ الْأُمُورِ أَرْشَدَهَا، وَمِنَ التَّنَادِيرِ أَوْكَدَهَا، وَمِنَ الْجُدُودِ أَسْعَدَهَا، وَمِنَ الشُّؤُونِ أَعْوَدَهَا، وَمِنَ الْفَوَائِدِ أَرْجَحَهَا، وَمِنَ الْعَوَائِدِ أَنْجَحَهَا، وَمِنَ الزِّيَادَاتِ أَتْمَمَهَا، وَمِنَ الْبَرَكَاتِ أَعَمَّمَهَا، وَمِنَ الصَّالِحَاتِ أَعْظَمَهَا.

خداوندا ای پروردگار جهانیان، و حاکمترین حاکمان، و مهربانترین مهربانان از تو می‌خواهم از گواهی دادن عادلترین آن را، و از عبادت فعالترین و از فروزی گستردهترین و از کرامت مورد غبطه‌ترین آن، و از سلامت شاملترین، و از کارها حد وسط و میانیترین، و از آرزوها موفق‌ترین، و از گفته‌ها راست‌ترین، و از محلها شریفترین آنها، و از جایگاهها لطیفترین، و از حمایت محفوظترین، و از رعایت مهربانترین، و از عصمت با کفایتترین، و از آسایش شفابخش‌ترین و از نعمت بیشترین، و از همت‌ها والاترین، و از قسمت‌ها بالاترین، و از روزی‌ها فراوانترین، و از اخلاق پاک‌ترین، و از راه‌ها نزدیک‌ترین آنها به مقصود، و از عاقبت‌ها ستوده‌ترین، و از امور هدایت یافته‌ترین آنها، و از تدبیرها محکم‌ترین، و از بهره‌ها سعادت‌مندترین، و از کارها سودمندترین، و از سودها برترین، و از فایده‌ها پرمایه‌ترین و از افزودن‌ها کامل‌ترین، و از برکت‌ها عمومی‌ترین، و از نیکی‌ها بزرگترین شان را.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلْبًا خَاشِعًا زَكِيًّا، وَلِسَانًا صَادِقًا عَلِيًّا، وَرِزْقًا وَاسِعًا هَيِّئْ، وَعَيْشًا رَغَدًا مَرِيئًا. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَنْكِ الْمَعَاشِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سَاعٍ وَوَاشٍ، وَغَلْبَةِ الْأَضْدَادِ وَالْأَوْبَاشِ، وَكُلِّ قَبِيحٍ بَاطِنٍ أَوْ فَاشٍ. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءِ مَحْجُوبٍ، وَرَجَاءِ مَكْدُوبٍ، وَحَيَاءِ مَسْلُوبٍ، وَإِخَاءِ مَعْبُوبٍ، وَاحْتِجَاجِ مَغْلُوبٍ، وَرَأْيِ غَيْرِ مُصِيبٍ.

خداوندا از تو می‌خواهم قلبی فروتن و پاک، و زبانی راستگوی و برتر، و روزی گسترده و گوارا، و معیشتی آسوده و گوارا. و به تو پناه می‌برم از تنگی معیشت و از شر هر سخن‌چین و فتنه‌گر، و از غلبه یافتن مخالفان و فرومایگان، و از هر زشتی پنهان یا آشکاری. و به تو پناه می‌برم از دعای پوشیده شده، و امید ناکام گشته، و حیای از دست رفته، و برادری براساس فخرفروشی، و استدلال شکست خورده و نظر ناصواب.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْمُسْتَعَاذُ، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ وَبِكَ الْمَلَادُ، فَأَنْلِنِي لَطَائِفَ مَنِكَ فَإِنَّكَ لَطِيفٌ، وَلَا تُبْتَلِنِي بِمِخَنِكَ فَإِنِّي ضَعِيفٌ، وَتَوَلَّنِي بِعَطْفِ تَحَنُّنِكَ يَا رَوْوْفُ، يَا مَنْ آوَى الْمُقْطَعِينَ إِلَيْهِ، وَأَغْنِي الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْهِ، جُدْ بِغَنَّاكَ عَلَيَّ فَاقْتِنِي، وَلَا تُحْمَلْنِي فَوْقَ طَاقَتِي.

خداوندا تو یاری دهنده و پناه دهنده‌ای، و امید به توست و پناهگاه تویی، پس عطا کن مرا الطاف مُنتهایت را که تو با لطف هستی، و مرا مبتلا مکن به گرفتاری‌ها که من ناتوانم، و سرپرستی کن مرا با توجه محبت آمیزت، ای مهربان ای آنکه پناه داده است روی آورندگان به سویش را، و بی‌نیاز ساخت، متوکلان بر او را، با بی‌نیازی‌ات بر فقرم تفضلی فرما، و بر من تحمیل مکن بیش از توانایی‌ام.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ جَدُّوا فِي قَصْدِكَ فَلَمْ يَنْكَلُوا وَسَلَكُوا الطَّرِيقَ إِلَيْكَ فَلَمْ يَعْدُوا، وَاعْتَمَدُوا عَلَيْكَ فِي الْوُضُوعِ حَتَّى وَصَلُوا، فَرَوَيْتَ قُلُوبَهُمْ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْسَتَ نَفْسَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، فَلَمْ يَقْطَعْهُمْ عَنْكَ قَاطِعٌ، وَلَا مَنَعَهُمْ عَنْ بُلُوغِ مَا أَمَلُوهُ لَدَيْكَ مَانِعٌ، فَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ، ﴿لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾.

خداوندا قرار ده مرا از کسانی که در راه تو تلاش کردند و ناتوان نشدند و راه به سوی تو را در پیش گرفتند و منحرف نشدند، و در رسیدن، بر تو اعتماد کردند تا اینکه رسیدند، پس سیراب گشت دل‌های‌شان از محبت، و مأنوس شد جان‌های‌شان با معرفتت، پس آنها را قطع نکرد از تو قطع‌کننده‌ای، و مانع نگشت آنان را از رسیدن به آنچه نزد تو آرزو نمودند منع‌کننده‌ای، و آنان در آنچه جان‌های‌شان خواهان آن است جاویدانند، «اندوه‌گین نمی‌سازد آنان را پریشانی بزرگ (قیامت) و روبرو می‌شوند با آنان فرشتگان که این همان روزتان است که وعده داده می‌شدید.»

اللَّهُمَّ لَكَ قَلْبِي وَلِسَانِي، وَبِكَ نَجَاتِي وَأَمَانِي، وَأَنْتَ الْعَالِمُ بِسِرِّي وَإِعْلَانِي، فَأَمِثْ قَلْبِي عَنِ الْبُغْضَاءِ، وَأَصْمِتْ لِسَانِي عَنِ الْفَحْشَاءِ، وَأَخْلِصْ سِرِّي عَنِ عِلَاقِقِ الْأَهْوَاءِ، وَاكْفِنِي بِأَمَانِكَ مِنْ عَوَاقِقِ الضَّرَاءِ.

خداوندا قلب و زبانم برای تو، و نجات و ایمنی‌ام به تو است، و تو آگاه هستی بر پنهان و آشکارم، پس فارغ بدار دلم را از دشمنی، و خاموش کن زبانم را از ناسزاگویی و خالص کن درونم را از وابستگی هواها، و کفایت کن مرا به ایمنی‌ات از بازدارنده‌های زیانبخش.

وَأَجْعَلْ سِرِّي مَعْقُوداً عَلَى مُرَاقِبَتِكَ، وَإِعْلَانِي مُوَافِقاً لِمَطَاعَتِكَ، وَهَبْ لِي جِسْماً رُوحَانِيّاً، وَقَلْباً سَمَآوِيّاً، وَهَمَّةً مُتَّصِلَةً بِكَ، وَيَقِيناً صَادِقاً فِي حُبِّكَ، وَالْهَمْنِي مِنْ مَخَامِدِكَ أَمْدَحَهَا، وَهَبْ لِي مِنْ فَوَائِدِكَ أَسْمَحَهَا، إِنَّكَ وَلِيُّ الْحَمْدِ وَالْمُسْتَوَلِيُّ عَلَى الْمَجْدِ.

و درونم را وابسته به نظارتت قرار ده، و آشکارم را موافق طاعتت ساز، و ببخش مرا بدنی روحانی، و قلبی آسمانی، و همتی به تو پیوسته، و یقینی راستین در محبتت، و الهام کن مرا از ستایش‌هایت ستوده‌ترین آنها را، و عطا کن به من از سودهایت با ارزش‌ترین آنها را، که تو دارنده‌ی ستایش و چیره بر بزرگواری هستی.

يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مَلَكُوتُهُ عِصْيَانُ الْمُتَمَرِّدِينَ، وَلَا يَزِيدُ جَبْرُوتُهُ إِيمَانُ الْمُوَحِّدِينَ، إِلَيْكَ أَسْتَشْفِعُ بِقَدِيمِ كَرَمِكَ، أَنْ لَا تُسَلِّبَنِي مَا مَخَّخْتَنِي مِنْ جَسِيمِ نِعْمِكَ، وَأَصْرِفْنِي بِحُسْنِ نَظَرِكَ لِي عَنْ وَرْطَةِ الْمَهَالِكِ، وَعَرِّفْنِي بِجَمِيلِ اخْتِيَارِكَ لِي مِنْجِيَاتِ الْمَسَالِكِ.

ای آنکه نمی‌کاهد ملکوتش را نافرمانی سرکشان، و نمی‌افزاید قدرتش را ایمان یگانه‌پرستان، با کرم قدیمت نزد تو شفاعت می‌جویم، که از من مگیری آنچه را به من داده‌ای از نعمت‌های بزرگت، و با توجه نیکویت به من مرا از گرداب هلاکت‌ها دور ساز، و آشنایم ساز با گزینش زیباییت برای من در راه‌های نجات بخش.

يَا مَنْ قَرَّبَتْ رَحْمَتُهُ مِنَ الْمُحْسِنِينَ، وَأَوْجَبَ عَفْوَهُ لِلْأَوَابِينَ، بَلَّغْنَا بِرَحْمَتِكَ غَنَائِمَ الْبِرِّ وَالْإِحْسَانِ، وَجَلَّلْنَا بِنِعْمَتِكَ مَلَاسِ الْعَفْوِ وَالْغُفْرَانِ، وَأَصْحِبِ رَعْبَاتِنَا بِحَيَاءٍ يَفْطَعُهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَاحْشُ قُلُوبَنَا نُوراً يَمْنَعُهَا مِنَ الشُّبُهَاتِ، وَأَوْدِعْ نُفُوسَنَا خَوْفَ الْمُشْفِقِينَ مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ، وَرَجَاءِ الْوَائِقِينَ بِتَوْفِيرِ الثَّوَابِ، فَلَا نَعْتَرَّ بِالْأَمْهَالِ وَلَا نُقْصِرَ فِي صَالِحِ الْأَعْمَالِ، وَلَا نَفْتُرَ عَنِ التَّسْبِيحِ بِحَمْدِكَ فِي الْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ.

ای آنکه رحمتش به نیکوکاران نزدیک است، و عفویش را برای توبه‌کنندگان واجب نموده، ما را برسان به رحمتت، به غنیمت‌های نیکی و نیکوکاری، و بپوشان ما را با نعمتت جامه‌های عفو و آمرزش را، و همراه ساز تمایلات ما

را با حیایی که آن را از شهوت‌ها جدا سازد، و پر کن دل‌های ما را با نوری که آن را از شبهات باز دارد، و بسپار به جان‌هایمان ترس بیمناکان از بدی حساب، و امید اطمینان یافتگان به فراوانی ثواب را، که به مهلت دادن مغرور نشویم و در کارهای نیک کوتاهی نورزیم، و سست نگردیم از تسبیح نمودن به ستایش در بامداد و شامگاه.

يَا مَنْ أَنَسَ الْعَارِفِينَ بِطُولِ مُنَاجَاتِهِ، وَأَلْبَسَ الْخَائِفِينَ ثَوْبَ مُوَالَاتِهِ، مَتَى فَرِحَ مَنْ قَصَدَتْ سِوَاكَ هِمَّتُهُ؟! وَمَتَى اسْتَرَاحَ مَنْ أَرَادَتْ غَيْرَكَ عَزِيمَتُهُ؟! وَمَنْ ذَا الَّذِي قَصَدَكَ بِصِدْقِ الْإِرَادَةِ فَلَمْ تُشَفِّعْهُ فِي مُرَادِهِ؟! أَمْ مَنْ ذَا الَّذِي اعْتَمَدَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ فَلَمْ تَجِدْ بِإِسْعَادِهِ؟! أَمْ مَنْ ذَا الَّذِي اسْتَرْشَدَكَ فَلَمْ تَمُنَّنْ بِإِرْشَادِهِ؟!

ای آنکه انس بخشید عارفان را با مناجات طولانی‌اش، و پوشاند به بیمناکان جامه ارادتش را. چه وقت شاد شد آنکه همتش غیر از تو را قصد نمود؟! و چه وقت آسوده گشت آنکه اراده کرد غیر از تو را تصمیمش؟! و کیست آنکه با اراده‌ای راستین قصد تو را نمود و تو او را شفاعت ندادی در خواسته‌اش؟! یا کیست آنکه در کارش بر تو اعتماد نمود و تو لطف نفرمودی در سعادت‌مندی‌اش؟! یا کیست آنکه از تو راهنمایی خواست و تو در راهنمایی‌اش منت نهدی؟!!

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ، وَمَسْكِينُكَ الْهَلِيفُ الْمُسْتَجِيرُ، عَالِمٌ أَنَّ فِي قَبْضَتِكَ أَرْزَمَةَ التَّدْبِيرِ، وَمَصَادِرَ الْمَقَادِيرِ عَنِ إِرَادَتِكَ، وَأَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ بِقُدْسِكَ حَيَاةً لِكُلِّ شَيْءٍ، وَجَعَلْتَهُ نَجَاةً لِكُلِّ حَيٍّ، فَارْزُقْهُ مِنْ حِلَاوَةِ مَصَافَاتِكَ مَا يَصِيرُ بِهِ إِلَى مَرَضَاتِكَ، وَهَبْ لَهُ مِنْ حُشُوعِ التَّدَلُّلِ وَخُضُوعِ التَّبَتُّلِ فِي رَهْبَةِ الْأَخْبَاتِ وَسَلَامَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، مَا تُحْضِرُهُ بِهِ كِفَايَةَ الْمُتَوَكِّلِينَ، وَتُمِيرُهُ بِهِ رِعَايَةَ الْمَكْفُولِينَ، وَتُعِيرُهُ بِهِ وِلَايَةَ الْمُتَّصِلِينَ الْمَقْبُولِينَ.

خداوندا بنده ناتوان فقیرت، و مسکین ستم رسیده پناهجویت، می‌داند که افسار تدبیر در اختیار تو، و سرچشمه‌های تقدیرها به اراده تو است، و همانا تو، به پاک‌ات برای هر چیزی حیاتی به پا داشتی، و آن را نجاتی قرار دادی برای هر زنده‌ای، پس او را روزی ده از شیرینی دوستی خالصانه‌ات آنچه بدان راه یابد به سوی خرسندی‌ات، و ببخش او را از خشوع خوار گشتن، و خضوع روی آوردن به خدا و بریدن از غیر او، و سلامت زندگی و مرگ، آنچه را که به آن حاضر می‌گردانی او را کفایت توکل کنندگان را، و عطا می‌کنی به آن او را رعایت کفالت شدگان را، و بر او می‌بخشی به آن، ولایت پیوستگان پذیرفته شده را.

يَا مَنْ هُوَ أَبْرُّ بِي مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ، وَأَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الصَّاحِبِ اللَّزِيقِ، أَنْتَ مَوْضِعُ أُنْسِي فِي الْخُلُوةِ إِذَا أَوْحَشَنِي الْمَكَانُ، وَلَفَظْتَنِي الْأَوْطَانُ، وَفَارَقْتَنِي الْأَلْفَ وَالْجِيرَانَ، وَأَنْفَرَدْتُ فِي مَحَلِّ صَنْكٍ قَصِيرِ السَّمَكِ صَيِّقِ الضَّرِيحِ مُطْبَقِ

الصَّفِيحِ، مَهُولٍ مَنْظَرُهُ، ثَقِيلٍ مَدْرُهُ، مُسْتَقَلَّةٍ بِالْوَحْشَةِ عَرَصَتُهُ، مُعْشَاةٍ بِالظُّلْمَةِ سَاحَتُهُ، عَلَى غَيْرِ مَهَادٍ وَلَا وَسَادٍ،
وَلَا تَقْدِمَةَ زَادٍ، وَلَا اعْتِدَادٍ لِمَعَادٍ، فَتَدَارِكُنِي بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتِ الْأَشْيَاءَ أَكْتَانُهَا وَجَمَعَتِ الْأَحْيَاءَ أَطْرَافُهَا، وَعَمَّتِ
الْبَرَائِيَا أَلْطَافُهَا، وَعَدُّ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمٍ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِجَهْلِي يَا رَحِيمٍ.

ای آنکه به من از پدر مهربان دلسوزتر است، و نزدیک‌تر است به من از یار همراه، تو جایگاه انس من در خلوت هستی، هرگاه مکان مرا به وحشت اندازد، و مرا دور کند وطن‌ها، و جدا شوند از من عزیزان و همسایگان و تنها ماندم در جایی تنگ با سقفی کوتاه، و جایی تنگ که اطرافش به هم برآمده، و هولناک است منظرش و سنگین است گل آن، و عرصه‌اش به وحشت آرمیده، و پوشانیده شده با تاریکی محیطش، نه زیراندازی و نه بالشی، و نه توشه از پیش فرستاده‌ای، و نه آمادگی برای بازگشت، پس مرا دریاب با رحمتت، که سایه‌اش همه اشیا را در بر گرفته، و فراهم آورده است زندگان را پیرامونش، و آفریدگان را الطافش فرا گرفته است، و بازگرد به سوی من با عفوت ای بزرگوار، و مگیر مرا به نادانی‌ام ای مهربان.

اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَنْ اِكْتَفَتْهُ سَيِّئَاتُهُ، وَاَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَاتُهُ، وَحَقَّتْ بِهِ جِنَايَاتُهُ، بِعَفْوِكَ ارْحَمْ مَنْ لَيْسَ لَهُ مِنْ عَمَلِهِ شَافِعٌ، وَلَا يَمْتَنِعُهُ مِنْ عَذَابِكَ مَانِعٌ، ارْحَمِ الْغَافِلَ عَمَّا اَصْلَهُ، وَالذَّاهِلَ عَنِ الْاَمْرِ الَّذِي خُلِقَ لَهُ، ارْحَمْ مَنْ نَقَضَ الْعَهْدَ وَعَدَرَ، وَعَلَى مَعْصِيَتِكَ اِنطَوَى وَاَصْرًا، وَجَاهَرَكَ بِجَهْلِهِ وَمَا اسْتَتَرَ، ارْحَمْ مَنْ اَلْقَى عَنْ رَاسِهِ قِنَاعَ الْاِحْيَاءِ، وَحَسَرَ عَنْ ذِرَاعَيْهِ جَلْبَابَ الْاِنْتِقِيَاءِ، وَاجْتَرَ عَلَى سَخَطِكَ بِارْتِكَابِ الْفَحْشَاءِ، فَيَا مَنْ لَمْ يَزَلْ عَفْوًا عَفَّارًا ارْحَمْ مَنْ لَمْ يَزَلْ مُسْقَطًا عَثْرًا.

خداوندا رحم کن بر آنکه بدی‌هایش او را در برگرفته، و خطاهایش وی را احاطه نموده، و بر او گرد آمده‌اند جنایاتش، به عفوت رحم کن کسی را که او را نیست از عملش شفاعت کننده‌ای، و باز نمی‌دارد او را از عذابت بازدارنده‌ای، رحم کن آنکه غافل است از آنچه او را گمراه نموده، و فراموش کرده است از امری که خلق شده است برای آن، رحم کن آن را که عهد را شکسته و خدعه نموده، و بر معصیت پیوسته و اصرار کرده، و با تو آشکارا به خاطر نادانی‌اش درافتاده و پنهانی نجسته است، رحم کن آن را که پوشش حیا را از سر خود برداشته و از دست‌های خود دور کرده جامه پرهیزکاران را، و بر خشمت گستاخی نموده است با ارتکاب زشتی‌ها، پس ای آنکه پیوسته عفوکننده آمرزنده بوده، رحم کن کسی را که پیوسته از پای افتاده بسیار خطا کننده بوده است.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا مَضَى مِنِّي، وَاخْتِمْ لِي بِمَا تَرَضَى بِهِ عَنِّي، وَاعْقُدْ عِزَائِمِي عَلَى تَوْبَةٍ بِكَ مُتَّصِلَةٍ، وَكَلِّمْنِي بِهَا تَقِيلُنِي بِهَا عَثْرَاتِي، وَتَسْتُرْ بِهَا عَوْرَاتِي، وَتَرْحَمْ بِهَا عَبْرَاتِي، وَتُجِيرُنِي بِهَا إِجَارَةً مِنْ مَعَاطِبِ اِنْتِقَامِكَ، وَتُبِيلُنِي بِهَا

الْمَسْرَّةِ بِمَوَاهِبِ إِنْعَامِكَ، يَوْمَ تَبْرُرُ الْأَخْبَارُ، وَتَعْظُمُ الْأَخْطَارُ، وَتُبْلَى الْأَسْرَارُ، وَتُنْهَتِكَ الْأَسْتَارُ، وَتَشْخَصُ الْقُلُوبُ
وَالْأَبْصَارُ، ﴿يَوْمَ لَايَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ إِنَّكَ مَعْدِنُ الْأَلَاءِ وَالْكَرَمِ، وَصَارِفُ الْأَوَاءِ
وَالنِّقَمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ أَعْتَمِدُ وَبِكَ أَسْتَعِينُ، وَأَنْتَ حَسْبِي وَكَفَى بِكَ وَكَيْلًا.

خداوندا بر من ببخش آنچه را که از من گذشته، و عاقبتم را پایان بده به آنچه تو را از من خشنود می‌سازد، و محکم ساز تصمیم‌هایم را بر توبه‌ای که تو پیوسته، و در پیشگاهت پذیرفته گشته، که به آن لغزش‌هایم را ببخشی، و بپوشانی به آن عیب‌هایم را و رحم کنی به آن گریه‌هایم را، و پناه دهی مرا به آن پناه‌دانی از جاهای هلاک آفرین انتقامت، و به آن مرا عطا کنی شادمانی به بخشش‌های احسانت را، روزی که خبرها آشکار شوند، و خطرهای عظیم گردند، و رازها ظاهر، و پرده‌ها دریده شوند، و توجه کنند دل‌ها و دیده‌ها «روزی که ظالمان را سود ندهد معذرت خواهی‌شان، و آنان را باشد لعنت، و آنان را باشد بدی جایگاه» همانا تو معدن نعمت‌ها و کرم هستی، و دورکننده سختی‌ها و بلاهایی، نیست پروردگاری جز تو، بر تو اعتماد می‌کنم و از تو یاری می‌جویم، و تو مرا بس هستی و کافی باشی به عنوان وکیل.

يَا مَالِكَ خَزَائِنِ الْأَقْوَاتِ وَقَاطِرِ الْأَصْنَافِ الْبَرِيَّاتِ، وَخَالِقِ سَبْعِ طَرَائِقِ مَسْلُوكَاتٍ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ أَرْضِينَ مُدَلَّلَاتٍ،
الْعَالِي فِي وَقَارِ الْعِزِّ وَالْمُنْعَةِ، وَالذَّائِمِ فِي كِبَرِيَاءِ الْهَيْبَةِ وَالرَّفْعَةِ، وَالْجَوَادِ بِنَيْلِهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ سَعَةٍ، لَيْسَ لَهُ حَدٌّ
وَلَا أَمَدٌ، وَلَا يُدْرِكُهُ تَحْصِيلٌ وَلَا عَدَدٌ، وَلَا يُحِيطُ بِوَصْفِهِ أَحَدٌ.

ای مالک خزانه‌های روزی‌ها، و به وجود آورنده انواع آفریده‌ها، و آفریدگار هفت راه به هم پیوسته در بالای هفت زمین رام گشته، بلند مرتبه در وقار عزت و قدرت و پیوسته ماندگار در بزرگواری هیبت و رفعت، و بخشنده به عطایش بر آفریدگانش از وسعت روزی‌اش، او را نیست حدی و نه منتهایی، و در نمی‌یابد او را به دست آوردن و نه عددی، و نه کسی به وصف او را احاطه می‌نماید.

الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ أَمْشَاجِ النَّسَمِ وَمَوْلِجِ الْأَنْوَارِ فِي الظُّلَمِ، وَمُخْرِجِ الْمَوْجُودِ مِنَ الْعَدَمِ، وَالسَّابِقِ الْأَزَلِيَّةِ بِالْقَدَمِ،
وَالْجَوَادِ عَلَى الْخَلْقِ بِسَوَابِغِ النَّعَمِ، وَالْعَوَادِ عَلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ، الَّذِي لَا يُعْجِزُهُ كَثْرَةُ الْإِنْفَاقِ، وَلَا يُمَسِّكُ حَشِيَّةَ
الْإِمْلَاقِ، وَلَا يُنْقِصُهُ إِدْرَارُ الْأَرْزَاقِ، وَلَا يُدْرِكُ بِأَنَاسِيِ الْأَحْدَاقِ وَلَا يُوصَفُ بِمُضَامَةٍ وَلَا أَفْتِرَاقٍ.

سپاس خدای را، آفریننده آفریده‌هایی که ترکیب یافته‌اند، و واردکننده روشنی‌ها در تاریکی‌ها، و خارج کننده موجود از نیستی، و پیشی گیرنده ازلی به سبب قدمت و بی‌ابتدا بودن، و سخاوتمند بر خلائق با نعمت‌های فراوان، و بسیار لطف کننده بر آنان به فضل و کرم، آن که ناتوان نمی‌سازد او را فراوانی انفاق و بخشش، و

خودداری نمی‌کند از بخشش از ترس بی‌چیز شدن، و نمی‌کاهد او را ریزش پیاپی روزی‌ها، و در یافته نمی‌شود با مردمک چشم‌ها، و توصیف نمی‌شود به فراهم بودن و یا جدا گشتن.

أَحْمَدُهُ عَلَى جَزِيلٍ إِحْسَانِهِ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ حُلُولِ خِذْلَانِهِ، وَأَسْتَهْدِيهِ بِنُورِ بُرْهَانِهِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ حَقَّ إِيمَانِهِ.

او را می‌ستایم بر احسان فراوانش، و به او پناه می‌برم از پیش آمدن خوار کردنش، و از او هدایت می‌جویم به نور برهانش، و به او ایمان می‌آورم به حقیقت ایمانش.

وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، الَّذِي عَمَّ الْخَلَائِقَ جَدْوَاهُ، وَتَمَّ حُكْمَهُ فِيمَنْ أَضَلَّ مِنْهُمْ وَهَدَاهُ، وَأَخَاطَ عِلْمًا بِمَنْ أَطَاعَهُ وَعَصَاهُ، وَاسْتَوْلَى عَلَى الْمُلْكِ بِعِزِّ أَبَدٍ فَحَوَاهُ، فَسَبَّحَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَأَطْرَافُهَا، وَالْجِبَالُ وَأَعْرَافُهَا، وَالشَّجَرُ وَأَغْصَانُهَا، وَالْبِحَارُ وَحَيْثَانُهَا، وَالنُّجُومُ فِي مَطَالِعِهَا، وَالْأَمْطَارُ فِي مَوَاقِعِهَا، وَوُحُوشُ الْأَرْضِ وَسَبَاعُهَا، وَمَدَدُ الْأَنْهَارِ وَأَمْوَاجُهَا، وَعَذْبُ الْمِيَاهِ وَأَجَاجُهَا، وَهُبُوبُ الرِّيَّاحِ وَعَجَاجُهَا، وَكُلُّ مَا وَقَعَ عَلَيْهِ وَصْفٌ وَتَسْمِيَةٌ، أَوْ يَدْرِكُهُ حَدٌّ يَحْوِيهِ مِمَّا يَتَصَوَّرُ فِي الْفِكْرِ، أَوْ يَتَمَثَّلُ بِجِسْمٍ أَوْ قَدَرٍ، أَوْ يُنْسَبُ إِلَى عَرَضٍ أَوْ جَوْهَرٍ، مِنْ صَغِيرٍ حَقِيرٍ، أَوْ خَطِيرٍ كَبِيرٍ، مُقَرَّأً لَهُ بِالْعِبُودِيَّةِ خَاشِعًا، مُعْتَرَفًا لَهُ بِالْوَحْدَانِيَّةِ طَائِعًا، مُسْتَجِيبًا لِدَعْوَتِهِ خَاضِعًا، مُتَضَرِّعًا لِمَشِيئَتِهِ مُتَوَاضِعًا، لَهُ الْمُلْكُ الَّذِي لَأَنْفَادَ لِدَيْمُومِيَّتِهِ وَلَاانْقِضَاءَ لِعِدَّتِهِ.

و گواهی می‌دهم که نیست پروردگاری جز خدای یکتایی که شریک ندارد، آنکه در بر گرفته است همه موجودات را عطایش، و حکم او کامل گشت در مورد آنکه گمراه نمود و هدایت کرد، و علم او در برگرفت هر کس که او را اطاعت نموده یا نافرمانی کرده است، و چیره گشت بر پادشاهی با عزت ابدی و آن را در اختیار گرفت، پس او را به پاکی ستود آسمان‌ها و اطراف‌شان، و زمین و کناره‌هایش، و کوه‌ها و قله‌های‌شان، و درختان و شاخه‌های‌شان، و دریاها و ماهی‌های‌شان، و ستارگان در محل طلوع‌شان، و باران‌ها در اوقات‌شان، و جانوران وحشی زمین و درندگانش، و سرچشمه رودها و امواج‌شان، و شیرینی آنها و شورشان، و وزیدن بادهای و صدای‌شان و هرچه بر آن قرار گرفت وصفی و نام نهادنی، یا اینکه دریابد آن را حدی که آن را فراگیرد از آنچه در اندیشه تصور شود، یا نمایانده شود به جسمی یا اندازه‌ای یا نسبت داده شود به عرض یا جوهری از کوچکی ناچیز، یا مهمی بزرگ، اقرارکننده خاشع برای وی به عبودیت، اعتراف کننده فرمانبر برای وی به یگانگی اجابت کننده با خضوع برای دعوتش، تضرع کننده فروتن برای خواسته‌اش، برای اوست ملکی که پایانی نیست جاودانگی‌اش را، و انتهایی نیست مدت‌ش را.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْكَرِيمُ، وَرَسُولُهُ الطَّاهِرُ الْمَعْصُومُ، بَعَثَهُ وَالنَّاسُ فِي عَمْرَةِ الصَّلَاةِ سَاهُونَ، وَفِي غِرَّةِ الْجَهَالَةِ لَاهُونَ، لَا يَقُولُونَ صِدْقًا وَلَا يَسْتَعْمِلُونَ حَقًّا، فِدَاكُنْتَنَفْتَهُمُ الْقِسْوَةَ، وَحَقَّتْ عَلَيْهِمُ الشُّقُوءُ، إِلَّا مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ إِنْقَادَهُ، وَرَحِمَهُ وَأَعَانَهُ، فَقَامَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهِمْ مُجَدِّدًا فِي إِنْذَارِهِ، مُرْشِدًا لِأَنْوَارِهِ، بِعَزْمٍ ثَابِتٍ وَحُكْمٍ وَاجِبٍ، حَتَّى تَأْتِيَ شَهَابُ الْإِيمَانِ، وَتَفَرَّقَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ، وَأَعَزَّ اللَّهُ جُنْدَهُ، وَعَبَدَ وَحْدَهُ.

و گواهی می‌دهم که محمد بنده بزرگوار اوست، و فرستاده پاک معصومش، او را فرستاد در حالی که مردم در دریای گمراهی سرگشته بودند، و در غفلت نادانی مشغول، نه راست می‌گفتند و نه حق را عمل می‌نمودند سنگدلی بر آنان دست یافته، و بر آنها محقق گشته بود بدبختی، مگر کسی که خداوند رهایی‌اش را دوست داشته و به او رحم کرده و او را یاری داده بود، پس قیام کرد محمد که صلوات خداوند بر او و خاندانش باد در میان آنان کوشا در بیم دادنش، راهنمایی کننده به سوی نورهایش، با عزمی نافذ و حکمی واجب، تا اینکه شهاب ایمان درخشید و حزب شیطان پراکنده گشت، و خداوند لشکریانش را عزت بخشید، و تنها او پرستیده شد.

ثُمَّ اخْتَارَهُ اللَّهُ فَرَفَعَهُ إِلَى رُوحِ جَنَّتِهِ، وَفَسِيحِ كَرَامَتِهِ، فَقَبَضَهُ تَقِيًّا زَكِيًّا رَاضِيًّا مَرْضِيًّا طَاهِرًا نَقِيًّا، ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَأُمْبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَقْرَبِيهِ، وَذَوِي رَحِمِهِ وَمَوَالِيهِ صَلَاةً جَلِيلَةً جَزِيلَةً مَوْصُولَةً مَقْبُولَةً، لِأَنْقِطَاعِ لِمَزِيدِهَا، وَلَا اتِّضَاعِ لِمَشِيدِهَا، وَلَا امْتِنَاعِ لِمَعُودِهَا، تَنْتَهَى إِلَى مَقَرِّ أَرْوَاحِهِمْ، وَمَقَامِ فَلَاحِهِمْ، فَيَضَاعِفُ اللَّهُ لَهُمْ تَحِيَّاتِهَا، وَيُشَرِّفُ لَدَيْهِمْ صَلَوَاتِهَا، فَتَتَلَقَّاهُمْ مَقْرُونَةً بِالرُّوحِ وَالسُّرُورِ، مَحْفُوفَةً بِالنُّصَارَةِ وَالنُّورِ، دَائِمَةً بِلَا فَنَاءٍ وَلَا فُتُورٍ.

سپس خداوند او را اختیار کرد، پس او را بالا برد به سوی آسایش بهشت و گستره کرامت خویش، پس جان او را گرفت در حالی که با تقوا و پاک و خرسند و مورد رضایت، طاهر و بی آلایش بود «و کامل گشت سخن پروردگارت به صداقت و عدل، که نیست تغییر دهنده‌ای کلماتش را، و او شنوای داناست» صلوات خداوند بر او، و بر خاندان و نزدیکان و خویشان و دوستانش باد، درودی ارزشمند و فراوان، رسیده و پذیرفته شده، که فزونی‌اش را انقطاعی نباشد، و نه بلندی‌اش را پستی، و نه بازدارنده‌ای برای بالا رفتنش، منتهی گردد به جایگاه ارواح‌شان و محل رستگاری‌شان، و خداوند درودها را برای آنان مضاعف سازد و صلوات را نزد آنان شرافت بخشد، پس با آنان روبرو شوند همراه با آسایش و شادمانی، فراگرفته شده با شادابی و روشنایی، پیوسته بی‌نابودی و نه سستی باشد آنها را.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَكْمَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَشْرَفَهَا، وَأَجْمَلَ تَحِيَّاتِكَ وَأَلْطَفَهَا، وَأَشْمَلَ بَرَكَاتِكَ وَأَعْطَفَهَا، وَأَجَلَّ هِبَاتِكَ وَأَرَأَفَهَا عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَأَكْرَمِ الْمُرْسَلِينَ الْمُبْعُوثِ فِي الْأُمِّيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَصْفِيَاءِ الطَّاهِرِينَ، وَعِترَتِهِ النَّجَبَاءِ الْمُخْتَارِينَ، وَشِيعَتِهِ الْأَوْفِيَاءِ الْمُؤَاذِرِينَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْمُهَاجِرِينَ، وَأَدْخِلْنَا فِي شَفَاعَتِهِ يَوْمَ الدِّينِ مَعَ مَنْ دَخَلَ فِي زُمْرَتِهِ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خداوندا قرار ده کامل ترین و برترین صلوات، و زیباترین و لطیف ترین درودهایت، و شامل ترین و مهربان ترین برکات، و بزرگ ترین و پرمهرترین بخشش هایت را، بر محمد خاتم پیامبران، و گرامی ترین فرستادگان که برانگیخته شده در میان اُمیها، و بر اهل بیت او برگزیدگان پاک، و عترتش، پاکان برگزیده، و شیعیانش، باوفایان یاری دهنده از انصار و مهاجرینش، و ما را داخل کن در شفاعتش در روز جزا همراه آنکه در زمراش داخل شد از یکتاپرستان، ای گرامی ترین بزرگواران، و ای مهربان ترین مهربانان.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الَّذِي لَا يُمَلَكُ، وَالْوَاحِدُ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا سَامِعَ السَّرِّ وَالنَّجْوَى، وَيَا دَافِعَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى، وَيَا كَاشِفَ العُسْرِ وَالْبُؤْسِ، وَقَابِلَ العُدْرِ وَالْعُتْبَى، وَمَسْبِلَ السُّتْرِ عَلَى النُّورِ، جَلَّنِي مِنْ رَأْفَتِكَ بِأَمْرِ وَاقٍ، وَأَشْمَلْنِي مِنْ رِعَايَتِكَ بِرُكْنِ بَاقٍ، وَأَوْصَلْنِي بِعِنَايَتِكَ إِلَى غَايَةِ السَّبَاقِ، وَاجْعَلْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ أَهْلِ الرَّعَايَةِ لِلْمِيثَاقِ، وَاعْمُرْ قَلْبِي بِخَشْيَةِ ذَوِي الْأَشْفَاقِ، يَا مَنْ لَمْ يَزَلْ فِعْلُهُ بِي حَسَنًا جَمِيلًا، وَلَمْ يَكُنْ بِسِتْرِهِ عَلَيَّ بِخِيَلًا، وَلَا بِعُقُوبَتِهِ عَلَيَّ عَجُولًا، أَنْتُمْ عَلَيَّ مَا ظَاهَرْتَ مِنْ تَفْضُلِكَ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا سَتَرْتَ عَلَيَّ عِنْدَ نَظْرِكَ.

خداوندا تو پادشاهی هستی که در ملک کسی قرار نمی گیری، و یکتایی هستی که شریکی نیست تو را، ای شنونده راز و نجوا، و ای دورکننده زیان و بلوا، و ای برطرف کننده تنگدستی و بینوایی، و ای پذیرنده عذر و گله مندی، و افکننده پرده بر عیب بندگان، مرا به مهربانی ات بیوشان با امری حفظ کننده، و مرا شامل گردان از رعایت به قدرتی ماندگار، و برسان مرا به عنایت تا نهایت سبقت گرفتن، و قرار ده مرا به رحمتت از اهل رعایت به عهد میثاق، و دلم را زنده بدار با ترس بیمناکانت، ای آنکه پیوسته عمل او نسبت به من نیکو و زیبا بوده است، و نبوده به پوشش بر من بخیل، و نه به کيفرش بر من شتابنده، بر من کامل ساز آنچه را از فضل آشکار نمودی، و مرا مگیر به آنچه بر من پوشاندی به لطف.

سَيِّدِي كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ ظَلَلْتُ لِإِنِّيَقِ بِهَجَّتِهَا لِأَبْسَاءٍ، وَكَمْ أَسَدَيْتَ عِنْدِي مِنْ يَدٍ قَدْ طَفِقْتُ بِهِدَايَتِهَا مُنَافِسًا، وَكَمْ قَلَّدْتَنِي مِنْ مَنَّةٍ صَعَفْتُ قُوَايَ عَنْ حَمْلِهَا، وَذَهَلْتُ فِطْنَتِي عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهَا، وَعَجَزَ شُكْرِي عَنْ جَزَائِهَا، وَضَفْتُ ذُرْعًا بِإِحْصَائِهَا، قَابَلْتُكَ فِيهَا بِالْعِصْيَانِ، وَنَسِيتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي فِيهَا مِنَ الْإِحْسَانِ، فَمَنْ أَسَوْءَ حَالًا مِنِّي إِنْ لَمْ تَتَذَكَّرْنِي بِالْغُفْرَانِ،

وَتُوذِعُنِي شُكْرَ مَا صَطَعْتَ عِنْدِي مِنْ فَوَائِدِ الْإِمْتِنَانِ؟! فَلَسْتُ مُسْتَطِيعاً لِقَضَاءِ حَقُوقِكَ إِنْ لَمْ تُؤَيِّدْنِي بِصِحَّةِ تَوْفِيقِكَ.

سرورم، چه بسیار نعمت که من زیبایی دل انگیزش را بر تن نمودم، و چه بسیار بخشیدی به من لطفی که به هدایتش با دیگران به رقابت پرداختم، و چقدر بر من نهادی منتهی که نیروهایم از برداشت آن ناتوان گشت و هوش و حواسم از یاد کردن فضل آن غافل ماند و ناتوان شد سپاسگزاریام از پاداش آن، و بازماندم از شمارش آن، که من در مقابل به نافرمانی‌ات دست زدم، و فراموش نمودم سپاس گفتن آنچه را که از احسان در آن به من عطا کرده بودی، پس حال چه کسی از من بدتر خواهد بود اگر با غفران مرا درنیابی، و الهام نکنی مرا شکر کردن آنچه بر من لطف نمودی از نعمت‌های فراوان؟! که من قادر نیستم به ادای حقوقت اگر مرا تایید نفرمایی با سلامت توفیقت.

سَيِّدِي لَوْلَا نُورُكَ عَمِيْتُ عَنِ الدَّلِيلِ، وَلَوْلَا تَبْصِيرُكَ ضَلَلْتُ عَنِ السَّبِيلِ، وَلَوْلَا تَعْرِيفُكَ لَمْ أُرْسَدْ لِلْقَبُولِ، وَلَوْلَا تَوْفِيقُكَ لَمْ أَهْتَدِ إِلَى مَعْرِفَةِ التَّأْوِيلِ.

سرورم، اگر نور تو نمی‌بود از یافتن راهنما کور می‌شدم، و اگر بینایی دادنت نبود گم می‌گشتم از راه، و اگر آشنا کردنت نبود به قبول، راه نمی‌یافتم و اگر توفیق تو نبود هدایت نمی‌شدم به سوی شناخت تأویل.

فَيَا مَنْ أَكْرَمَنِي بِتَوْحِيدِهِ، وَعَصَمَنِي عَنِ الضَّلَالَةِ بِتَسْدِيدِهِ، وَأَلْزَمَنِي إِقَامَةَ حُدُودِهِ، لِأَتَسَلَّبُنِي مَا وَهَبْتَ لِي مِنْ تَحْقِيقِ مَعْرِفَتِكَ وَأَحْيِنِي بِيَقِينٍ أَسْلَمَ بِهِ مِنَ الْإِلْحَادِ فِي صِفَتِكَ، يَا خَيْرَ مَنْ رَجَاهُ الرَّاجُونَ، وَأَرَأَفَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ الْإِلْجُونَ، وَأَكْرَمَ مَنْ قَصَدَهُ الْمُحْتَاجُونَ، أَرْحَمَنِي إِذَا انْقَطَعَ مَعْلُومٌ عُمْرِي، وَدَرَسَ ذِكْرِي، وَأَنْمَحَى أَثْرِي، وَبَوَّأْتُ فِي الضَّرِيحِ مُرْتَهَنًا بِعَمَلِي، مَسْؤُولًا عَمَّا أَسَلَفْتُهُ مِنْ فَارِطٍ زَلَلِي، مَنْسِيًّا كَمَنْ نَسِيَ مِنَ الْأَمْوَاتِ مِمَّنْ كَانَ قَبْلِي.

پس ای آنکه مرا گرامی داشت با یگانه دانستنش، و مصون داشت مرا از گمراهی با توفیقاتش، و ملزم ساخت مرا به رعایت حدودش، از من مگیر آنچه را به من بخشیدی از محقق نمودن معرفتت، و زنده بدار مرا با یقینی که به آن سلامت یابم از الحاد و انحراف در وصفت، ای بهترین کسی که امیدواران به او امید دارند و مهربان‌ترین کسی که پناهندگان به او پناه برند، و گرامی‌ترین کسی که نیازمندان قصد او کنند، مرا رحم کن هرگاه قطع شود عمر معلومم، و محو شود یادم، و از بین رود اثرم، و جای داده شوم در قبر در حالی که به گرو گرفته شده‌ام، مورد سؤال واقع شده از آنچه در گذشته به تقصیر خطا کردم، فراموش شده همچون کسانی که از مردگان فراموش شده‌اند از آنها که پیش از من بوده‌اند.

رَبِّ سَهْلٌ لِي تَوْبَةٌ إِلَيْكَ، وَأَعْنِي عَلَيْهَا وَاحْمِلْنِي عَلَى مَحَبَّةِ الْإِحْبَاتِ لَكَ وَأَرشِدْنِي إِلَيْهَا، فَإِنَّ الْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ بِمَعُونَتِكَ، وَالثَّبَاتَ وَالْإِنْتِقَالَ بِقُدْرَتِكَ.

پروردگام برای من آسان ساز توبه به سوی خودت را، و مرا بر آن یاری ده، و مرا برسان به راه خشوع برای تو، و به آن راهنمایی ام فرما، که نیرو و قدرت به یاری تو باشد، و پایداری و انتقال به نیروی تو است.

يَا مَنْ هُوَ أَرْحَمُ لِي مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ، وَأَبْرُّ بِي مِنَ الْوَالِدِ الرَّفِيقِ، وَأَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الْجَارِ اللَّصِيقِ، قَرِّبِ الْخَيْرَ مِنْ مُتَنَاوَلِي، وَاجْعَلِ الْخَيْرَةَ الْعَامَّةَ فِيمَا قَضَيْتَ لِي، وَاخْتِمْ لِي بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى عَمَلِي، وَأَجْرِي مِنْ كُلِّ غَائِقٍ يَقْطَعُنِي عَنْكَ، وَكُلِّ قَوْلٍ وَفَعَلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ، وَارْحَمْنِي رَحْمَةً تَشْفِي بِهَا قَلْبِي مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ مُعْتَرِضَةٍ، وَبِدْعَةٍ مُمْرِضَةٍ.

ای آنکه بر من مهربان تر است از پدر دلسوز، و به من نیکوکارتر است از فرزند مداراکننده مهربان، و به من نزدیک تر است از همسایه دیوار به دیوار، خیر را به دسترس من نزدیک ساز، و قرار ده خیر کامل را در آنچه برابم مقدر فرموده‌ای، و برای من پایان ده عملم را به نیکی و تقوا، و پناه ده مرا از هر مانعی که مرا از تو جدا سازد، و هر گفتار و کرداری که مرا از تو دور نماید، و رحم کن مرا به رحمتی که شفا بخشی قلبم را به آن از هر شبهه پیش آمده، و از هر بدعت بیماری آفرین.

سَيِّدِي خَابَ رَجَاءٌ مِنْ رَجَا سِوَاكَ، وَظَفِرَتْ يَدَا مَنْ بِحَاجَتِهِ نَاجَاكَ، وَضَلَّ مَنْ يَدْعُو الْعِبَادَ لِكَشْفِ ضُرِّهِ إِلَّا إِلَيْكَ، أَنْتَ الْمُؤَمَّلُ فِي الشُّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَالْمَفْرَعُ فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَصَرَاءٍ، وَالْمُسْتَجَارُ بِهِ مِنْ كُلِّ فَادِحَةٍ وَأَلْوَاءٍ، لَا يَفْتَنُ مَنْ رَحْمَتِكَ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَّرَ، وَلَا يَبْتَاسُ مِنْ رَوْحِكَ إِلَّا مَنْ عَصَى وَأَصَرَ، أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، تَوْفَنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ.

سرورم، ناکام گشت امید هر کس که به غیر از تو امید بست، و رستگار شد دست‌های هر کس که به حاجتش با تو راز و نیاز کرد، و گمراه شد آنکه بندگان را برای برطرف کردن زیانش می‌خواند به جای تو، تو مورد امید هستی در سختی و رفاه، و محل التجا هستی در هر اندوه و گرفتاری، و آنکه به او پناه گرفته می‌شود از هر امر دشوار و هر وضع سختی، از رحمتت نومید نمی‌شود جز آنکه روی گردانده و کافر شده است، و ناامید نمی‌شود از لطفت جز آنکه معصیت کرده و اصرار ورزیده باشد، تو سرپرست من هستی در دنیا و آخرت، مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق ساز.

يَا مَنْ لَا يَحْرِمُ زُورَهُ عَطَايَاهُ، وَلَا يُسْلِمُ مَنِ اسْتَجَارَهُ وَاسْتَكْفَاهُ، أَمَلِي عَلَى جَدْوَاكَ، وَوَجْهَ طَلِبَتِي مُنْصَرِفٌ عَمَّنْ سِوَاكَ، وَأَنْتَ الْمَلِيُّ بِتَيْسِيرِ الطَّلِبَاتِ، وَالْوَفِيُّ بِتَكْثِيرِ الرَّغَبَاتِ، فَأَنْجِحْ لِي الْمَطْلُوبَ مِنْ فَضْلِكَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَسْمَحْ لِي بِالْمَرْغُوبِ فِيهِ مِنْ بَدْلِكَ بِنِعْمَتِكَ.

ای آنکه زوارش را از عطایای خود محروم نمی‌سازد، و رها نمی‌کند کسی را که به وی پناه آورده و کفایت طلبیده باشد، آرزویم بر الطاف تو قرار گرفته، و روی طلبم از هر کسی جز تو برگشته است، و تو شایانی برای آسان سازی خواسته‌ها، و شایسته‌ای برای فراوان ساختن رغبت‌ها، پس برآورده ساز برایم خواسته شده را از فضلت به رحمتت، و لطف کن برای من آنچه را که مورد رغبت است از بخشش نعمتت.

سَيِّدِي ضَعْفَ جِسْمِي، وَدَقَّ عَظْمِي، وَكَبَّرَ سِنِّي، وَنَالَ الدَّهْرُ مِنِّي، وَنَفِدَتْ مُدَّتِي، وَذَهَبَتْ شَهْوَتِي، وَبَقِيَتْ تَبِعَتِي، فَجُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِعَفْوِكَ عَلَيَّ قَبِيحِ فِعْلِي، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا كَسَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ فِي سَالِفِ الْأَيَّامِ. سرورم، بدنم ناتوان شد، و استخوانم نازک گردید، و سنم بالا رفت، و روزگار دست یازید بر من، و مدت من به سر آمد، و شهوتم از بین رفت، و آثار گناهم بر جای ماند، پس لطف کن به حلمت بر جهل من، و به عفوتم بر کار ناپسندم، و مگیر مرا به آنچه انجام داده‌ام از گناهان بزرگ در روزهای گذشته‌ام.

سَيِّدِي أَنَا الْمُعْتَرِفُ بِإِسَاءَتِي، الْمُقِرُّ بِخَطَايِي، الْمَأْسُورُ بِإِجْرَامِي، الْمُرْتَهِنُ بِآثَامِي، الْمُتَهَوِّرُ بِإِسَاءَتِي، الْمُتَحَيِّرُ عَن قَصْدِ طَرِيقِي، انْقَطَعَتْ مَقَالَتِي، وَصَلَّ عُمْرِي، وَبَطَلَتْ حُجَّتِي فِي عَظِيمِ وِزْرِي، فَأَمُنْ عَلَيَّ بِكَرِيمِ غُفْرَانِكَ، وَأَسْمَحْ لِي بِعَظِيمِ إِحْسَانِكَ، فَإِنَّكَ ذُو مَغْفِرَةٍ لِلطَّالِبِينَ، شَدِيدُ الْعِقَابِ لِلْمُجْرِمِينَ.

سرورم، من به بدکاری‌ام اعتراف می‌کنم، و به خطایم اقرار دارم، من اسیر شده جرم خود هستم، در گرو گناهانم می‌باشم، من به بدکاری‌ام بی‌باک بوده‌ام، من از یافتن راهم سرگردانم، سخنم قطع شده، و عمرم تباه گشته، و حجت من در گناه بزرگم باطل گردیده است، پس بر من منت گذار با آمرزش کریمانه‌ات، و لطف کن مرا به احسان عظیمت، که تو برای جویندگان دارای مغفرت هستی، و کیفری سخت داری برای مجرمان.

سَيِّدِي إِنْ كَانَ صَغْرٌ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي، فَقَدْ كَبَّرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي، سَيِّدِي كَيْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْحَيِّئَةِ مَحْرُومًا وَطَنِّي بِكَ أَنْكَ تَقْلِبُنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا؟! سَيِّدِي لِمَ أَسَلْتُ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي بِكَ قُنُوطَ الْأَيْسِينَ، فَلَا تُبْطِلْ لِي صِدْقَ رَجَائِي لَكَ فِي الْأَمَلِينَ. سَيِّدِي عَظْمَ جُرْمِي إِذْ بَارَزْتُكَ بِاِكْتِسَابِهِ، وَكَبَّرَ ذَنْبِي إِذْ جَاهَرْتُكَ بِإِرْتِكَابِهِ، إِلَّا أَنْ عَظِيمَ عَفْوِكَ يَسَعُ الْمُعْتَرِفِينَ، وَجَسِيمَ غُفْرَانِكَ يَعْصِمُ التَّوَّابِينَ.

سرورم، اگر معلم در کنار طاعت کوچک باشد، بزرگ است در کنار امید به تو، آرزوی من، سرورم چگونه از نزد تو با ناکامی محروم بازگردم، در حالی که گمان من این است که تو مرا رحمت شده با رستگاری باز می‌گردانی؟! سرورم چیره نساختم بر حسن ظنم به تو نومیدی ناامیدان را، پس باطل مساز صدق امیدم را به تو در میان آرزومندان. سرورم جرم من بزرگ گشته که نزد تو آشکار آن را مرتکب شدم، و گناهم بزرگ شده که با انجام دادن آن آشکارا با تو در افتاده‌ام، جز اینکه عفو عظیم تو اعتراف کنندگان را در بر می‌گیرد و آمرزش بسیاری، توبه کنندگان را شامل می‌شود.

سَيِّدِي إِنَّ دَعَانِي إِلَى النَّارِ مَخَشِي عِقَابِكَ، فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ مَرَجُو ثَوَابِكَ. سَيِّدِي إِنَّ أَوْحَشْتَنِي الْخَطَايَا مِنْ مَحَاسِنِ لُطْفِكَ، فَقَدْ أَنْسَنِي الْيَقِينُ بِمَكَارِمِ عَطْفِكَ، وَإِنْ أَنَامْتَنِي الْغَفْلَةَ عَنِ الْأَسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ، فَقَدْ أَيَقِظْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِقَدِيمِ آلائِكَ، وَإِنْ عَزَبَ لُبِّي عَنْ تَقْدِيمِ مَا يُصْلِحُنِي، فَلَمْ يَعَزُبْ إِيْقَانِي بِنَظَرِكَ إِلَيَّ فِيمَا يَنْفَعُنِي، وَإِنْ أَنْقَرَضْتَ بِغَيْرِ مَا أَحْبَبْتَ مِنَ السَّعْيِ أَيَّامِي، فَبِالْإِيْمَانِ أَمْضَيْتَ السَّالِفَاتِ مِنْ أَعْوَامِي.

سرورم، اگر کیفر ترسناکت مرا به سوی آتش فراخواند، همانا فراخوانده است مرا به سوی بهشت، پاداش مورد امیدت، سرورم، اگر خطاها مرا بیگانه سازد از نیکی‌های لطفت، همانا انس بخشیده است مرا یقین داشتن به بزرگواری‌های الطافت، و اگر بخواب برد مرا غفلت از آماده شدن برای دیدارت، همانا بیدار ساخته است مرا آشنایی با نعمت‌های قدیمی‌ات، و اگر دور گشت خردم از تقدیم نمودن آنچه مرا صلاح بخشد، دور نگردیده است یقین داشتنم به نظر لطفت به من در آنچه برایم سودمند است؛ و اگر گذشته است به غیر آنچه دوست داشته‌ای از تلاش، روزهایم، من با ایمان گذرانده‌ام سال‌های گذشته‌ام را.

سَيِّدِي جِئْتُ مَلْهُوفاً قَدْ لَبِسْتُ عَدَمَ فَاقَتِي، وَأَقَامْتَنِي مَقَامَ الْأَذْلَاءِ بَيْنَ يَدَيْكَ ضَرْ حَاجَتِي، سَيِّدِي كَرَّمْتَ بِكَرَمِكَ فَأَكْرَمْتَنِي إِذْ كُنْتُ مِنْ سُؤَالَكَ، وَجَدْتَنِي بِمَعْرِوْفِكَ فَأَخْلَطْتَنِي بِأَهْلِ نَوَالِكَ. اَللَّهُمَّ ارْحَمْ مَسْكِيناً لَا يُجِيرُهُ إِلَّا عَطَاؤُكَ، وَفَقِيْرًا لَا يُعْنِيهِ إِلَّا جَدْوَاكَ.

سرورم، با دل سوخته آمده‌ام در حالی که لباس ناداری فقرم را به تن دارم، و مرا برپای داشته است در جایگاه ذلیلان در پیشگاه تو گرفتاری نیازم، سرورم به کرمت کریم گشته‌ای، پس بر من کرم کن، که بوده‌ام من از گدایانت، و با احسانت عطا کرده‌ای، پس مرا ملحق ساز به اهل عطایت. خداوندا، رحم کن بیچاره‌ای را که جز عطایت کسی او را پناه ندهد، و فقیری را که جز بخششت او را بی‌نیاز نمی‌سازد.

سَيِّدِي أَصْبَحْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ مَنَحِكَ سَائِلًا، وَعَنِ التَّعَرُّضِ لِسِوَاكَ عَادِلًا، وَلَيْسَ مِنْ جَمِيلِ امْتِنَانِكَ رَدُّ سَائِلٍ مَلْهُوفٍ، وَمُضْطَرٌّ لِانْتِظَارِ فَضْلِكَ الْمَأْلُوفِ، سَيِّدِي إِنَّ حَرَمْتَنِي رُؤْيَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دَارِ السَّلَامِ، وَأَعَدَمْتَنِي طَوْفَ الْوَصَائِفِ وَالْخُدَامِ، وَصَرَفْتَ وَجْهَ تَأْمِيلِي بِالْخَيْبَةِ فِي دَارِ الْمَقَامِ، فَغَيَّرَ ذَلِكَ مَنَّتَنِي نَفْسِي مِنْكَ، يَا ذَا الطَّوْلِ وَالْإِنْعَامِ.

سرورم، ایستاده‌ام به گدایی بر دری از درهای عطایت، از روی کردن به کسی جز تو منصرف گشته‌ام، و از فضل و احسان زیبایی نیست که رد کنی گدای دلسوخته و گرفتار بیچاره‌ای را که در انتظار فضل آشنای تو است، سرورم اگر مرا مرحوم داری از دیدن محمد که صلوات خداوند بر او خاندانش باد، در بهشت، و باز داری مرا از چرخیدن کنیزان و خادمان، و چهره آرزومندی‌ام را بازگردانی با ناکامی در سرای جاویدان، پس غیر از آن آرزومند ساخت مرا نفسم از تو، ای دارنده لطف و احسان.

سَيِّدِي وَعِزَّتِكَ لَوْ قَرَنْتَنِي فِي الْأَصْفَادِ، وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْعِبَادِ، مَا قَطَعْتَ رَجَائِي عَنْكَ، وَلَا صَرَفْتَ وَجْهَ انْتِظَارِي لِلْعَفْوِ مِنْكَ، سَيِّدِي لَوْ لَمْ تَهْدِنِي إِلَى الْإِسْلَامِ لَضَلَلْتُ، وَلَوْ لَمْ تُثَبِّتْنِي إِذَا لَزَلْتُ، وَلَوْ لَمْ تُشْعِرْ قَلْبِي الْإِيمَانَ بِكَ مَا آمَنْتُ وَلَا صَدَّقْتُ، وَلَوْ لَمْ تُطَلِّقْ لِسَانِي بِدُعَائِكَ مَا دَعَوْتُ، وَلَوْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَقِيقَةَ مَعْرِفَتِكَ مَا عَرَفْتُ، وَلَوْ لَمْ تَدُلَّنِي عَلَى كَرِيمِ ثَوَابِكَ مَا رَغَبْتُ، وَلَوْ لَمْ تُبَيِّنْ لِي أَلِيمَ عِقَابِكَ مَا رَهَبْتُ، فَأَسْأَلُكَ سَيِّدِي تَوْفِيقِي لِمَا يُوجِبُ ثَوَابَكَ، وَتَخْلِيسِي مِمَّا يَكْسِبُ عِقَابَكَ.

سرورم، سوگند به عزتت که اگر مرا به بند کشی در حلقه‌های آهنین، و مرا بازداری از دریافت لطف از میان بندگان، امیدم را از تو قطع نخواهم کرد، و روی انتظارم را بر نمی‌گردانم از عفو تو. سرورم اگر مرا به اسلام هدایت نمی‌کردی، گمراه می‌شدم و اگر مرا ثابت نمی‌بخشیدی لغزش می‌نمودم، و اگر به قلبم شعور ایمان به تو را نمی‌دادی ایمان نمی‌آوردم و تصدیق نمی‌کردم، و اگر زبانم را گویا نمی‌ساختی به دعایت، دعا نمی‌کردم و اگر مرا آشنا نمی‌نمودی با حقیقت معرفتت، آشنا نمی‌شدم، و اگر راهنمایی‌ام نمی‌کردی به سوی پاداش بزرگوارانه‌ات، رغبت نمی‌نمودم، و اگر بیان نمی‌کردی برایم کیفر دردناکت را نمی‌ترسیدم، پس از تو می‌خواهم سرورم که مرا توفیق دهی به آنچه ثوابت را واجب نماید، و رهایم سازد از آنچه سبب می‌شود کيفرت را.

سَيِّدِي إِنَّ أَعْدَنِي التَّخَلُّفُ عَنِ السَّبْقِ مَعَ الْأَبْرَارِ، فَقَدْ أَقَامْتَنِي الثَّقَّةَ بِكَ عَلَى مَدَارِجِ الْأَخْيَارِ، سَيِّدِي كُلُّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ يَلْتَجِي، وَكُلُّ مَحْزُونٍ إِلَيْكَ يَرْتَجِي، سَمِعَ الْعَابِدُونَ بِجَزِيلِ ثَوَابِكَ فَخَشَعُوا، وَسَمِعَ الْمُؤَلُّونَ عَنِ الْقَصْدِ بِجُودِكَ

فَرَجَعُوا، وَسَمِعَ الْمُجْرِمُونَ بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ فَطَمَعُوا، حَتَّىٰ اَزْدَحَمَتْ عَصَائِبُ الْعَصَاةِ مِنْ عِبَادِكَ بِبَابِكَ، وَعَجَّتْ إِلَيْكَ
الْأَلْسُنُ بِأَصْنَافِ الدُّعَاءِ فِي بِلَادِكَ، فَكُلُّ أَمَلٍ سَاقٍ صَاحِبُهُ إِلَيْكَ مُحْتَاجًا، وَكُلُّ قَلْبٍ تَرَكَهُ وَجِيبُ الْخَوْفِ إِلَيْكَ مُهْتَاجًا.

سرورم اگر خلاف کاری، مرا از پیش تاختن همراه نیکان بازداشته، به پای داشته است مرا اطمینان به تو بر
پیمودن راه‌های نیکان. سرورم هر اندوهگینی به سوی تو پناه می‌برد، و هر غمگینی به تو امیدوار است، عبادت
پیشه‌گان شنیدند ثواب فراوانت را و خاشع شدند، و روی گردانان از مسیر و مقصد شنیدند لطفت را، پس
بازگشتند، و شنیدند مجرمان وسعت رحمتت را پس طمع بردند تا آنجا که فراوان گشتند گروه‌های نافرمانان از
بندگان بر در خانه‌ات، و زبان‌ها به انواع دعاها تو را ندا دادند در سرزمین‌هایت، پس هر آرزویی صاحبش را
به سوی تو نیازمندانه کشانید، هر قلبی اضطراب خوف تو او را هیجان زده قرار داده.

سَيِّدِي وَأَنْتَ الْمَسْئُولُ الَّذِي لَا تُسَوِّدُ لِدَيْهِ وَجُوهَ الْمَطَالِبِ، وَلَمْ يَرُدُّ رَاجِيَهُ فَيُزِيلَهُ عَنِ الْحَقِّ إِلَى الْمَعَاظِبِ، سَيِّدِي
إِنْ أَخْطَأْتُ طَرِيقَ النَّظَرِ لِنَفْسِي بِمَا فِيهِ كَرَامَتُهَا، فَقَدْ أَصَبْتُ طَرِيقَ الْفَرَجِ بِمَا فِيهِ سَلَامَتُهَا، سَيِّدِي إِنْ كَانَتْ
نَفْسِي اسْتَعْبَدَتْ نِيَّ مُتَمَرِّدَةً عَلَيَّ بِمَا يُرْجِيهَا فَقَدْ اسْتَعْبَدْتُهَا الْآنَ عَلَيَّ مَا يُنْجِيهَا، سَيِّدِي إِنْ أَجْحَفَ بِي زَادَ الطَّرِيقُ
فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ، فَقَدْ أَوْصَلْتُهُ بِذَخَائِرِ مَا أَعَدَدْتَهُ مِنْ فَضْلِ تَعْوِيلِي عَلَيْكَ.

سرورم، و تو آن خواننده شده هستی که چهره خواسته‌ها نزد وی سیاه نگرده، و باز نمی‌گرداند امیدوارانش را
که او را از حق به هلاکت‌ها کشاند. سرورم، اگر خطا کردم در راه‌های توجه به نفسم، در آنچه کرامتش در آن
است، راه گشایش را درست یافتم در آنچه هست در آن سلامتت. سرورم اگر نفسم مرا به بندگی خود کشاند با
سرکشی بر من در آنچه آن را امید دارد، من آن را اینک به بندگی کشاندم بر آنچه نجاتش بخشد. سرورم اگر
کاهش یافت مرا توشه راه در رحمت به سوی تو، من آن را رسانده‌ام به ذخیره‌هایی که آماده نموده‌ام از فضل
اعتماد بر تو.

سَيِّدِي إِذَا ذَكَرْتَ رَحْمَتَكَ ضَحِكْتُ لَهَا عُيُونُ مَسَائِلِي وَإِذَا ذَكَرْتُ عُقُوبَتَكَ بَكَتْ لَهَا جُفُونٌ وَسَائِلِي، سَيِّدِي أَدْعُوكَ
دُعَاءَ مَنْ لَمْ يَدْعُ غَيْرَكَ فِي دُعَائِهِ، وَأَرْجُوكَ رَجَاءَ مَنْ لَمْ يَقْصُدْ غَيْرَكَ بِرَجَائِهِ، سَيِّدِي وَكَيْفَ أَرُدُّ عَارِضَ تَطَلُّعِي إِلَيْ
نَوَالِكَ، وَإِنَّمَا أَنَا فِي هَذَا الْخَلْقِ أَحَدٌ عِيَالِكَ، سَيِّدِي كَيْفَ أُسَكِّتُ بِالْإِفْحَامِ لِسَانَ صَرَاعَتِي، وَقَدْ أَقْلَقَنِي مَا أُبْهِمُ
عَلَيَّ مِنْ تَقْدِيرِ عَاقِبَتِي!؟

سرورم، هرگاه رحمتت را به یاد آورم چشمان خواسته‌هایم برای آن می‌خندند، و هرگاه به یاد آورم کيفرت را،
پلک‌های وسایلم، برای آن می‌گریند. سرورم تو را می‌خوانم خواندن کسی که نخوانده است در دعایش جز تو

راه و امید دارم به تو امید کسی که جز تو را به امید خود قصد ننموده باشد. سرورم، و چگونه برگردانم چهره چشمداشتم به عطایت راه، در حالی که من در میان این آفریدگان یکی از عائله و نانخورهای تو هستم. سرورم چگونه ساکت کنم به حجت زبان تضرعم راه، در حالی که مرا پریشان کرده آنچه بر من مبهم گشته است از مقدرات عاقبتم؟!

سَيِّدِي قَدْ عَلِمْتَ حَاجَةَ جِسْمِي إِلَىٰ مَا قَدْ تَكَلَّمْتَ لِي مِنَ الرِّزْقِ أَيَّامَ حَيَاتِي، وَعَرَفْتَ قَلَّةَ اسْتِغْنَائِي عَنْهُ بَعْدَ وَفَاتِي، فَيَا مَنْ سَمَحَ لِي بِهِ مُتَّفَضِّلاً فِي الْعَاجِلِ، لِأَتَمَنِّعَنِيهِ يَوْمَ حَاجَتِي إِلَيْهِ فِي الْأَجَلِ، فَمِنْ شَوَاهِدِ نِعْمَائِ الْكَرِيمِ إِنَّمَا نِعْمَائِهِ، وَمِنْ مَحَاسِنِ آلَاءِ الْجَوَادِ إِكْمَالُ آلَائِهِ.

سرورم، دانسته‌ای نیاز بدنم را به آنچه برایم بر عهده گرفته‌ای از روزی در ایام زندگانی‌ام، و دانسته‌ای کمی بی‌نیازی‌ام نسبت به آن را بعد از وفاتم، پس ای آنکه لطف کرد آن را برایم به تفضلش در گذرگاه دنیا، آن را از من باز مدار در روز نیازم به آن در آخرت، که از نشانه‌های نعمت‌های کریم، کامل نمودن نعمت‌هایش می‌باشد، و از خوبی نعمت‌های سخاوتمند، کامل نمودن نعمت‌هایش می‌باشد.

سَيِّدِي لَوْلَا مَا جَهَلْتُ مِنْ أَمْرِي لَمْ أَسْتَقِلَّكَ عَثْرَاتِي، وَلَوْلَا مَا ذَكَرْتُ مِنْ شِدَّةِ التَّفْرِيطِ لَمْ أَسْكُبْ عَبْرَاتِي، سَيِّدِي فَاْمُحُّ مُثَبِّتَاتِ الْعَثْرَاتِ بِمُسْبَلَاتِ الْعَبْرَاتِ، وَهَبْ كَثِيرَ السَّيِّئَاتِ بِقَلِيلِ الْحَسَنَاتِ.

سرورم، اگر نمی‌بود آنچه از امرم، جاهل شده‌ام، از تو تقاضای بخشش لغزش‌هایم نمی‌کردم، و اگر نمی‌بود آنچه به یاد آورده‌ام از شدت کوتاهی‌ام، اشک‌هایم را سرازیر نمی‌کردم. سرورم پس، محو کن ثبت شده‌های لغزش‌هایم را به اشک‌های ریخته شده، و ببخش گناهان بسیار را با اندکی از نیکی‌ها.

سَيِّدِي إِنْ كُنْتُ لِأَتْرَحَمَ إِلَّا الْمُجِدِّينَ فِي طَاعَتِكَ، فَإِلَىٰ مَنْ يَفْرَعُ الْمُقْصِرُونَ؟! وَإِنْ كُنْتُ لِأَتَقَبَّلُ إِلَّا مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ فَإِلَىٰ مَنْ يَلْجَأُ الْخَاطِئُونَ؟! وَإِنْ كُنْتُ لِأَتُكْرِمَ إِلَّا أَهْلَ الْإِحْسَانِ فَكَيْفَ يَصْنَعُ الْمُسِيئُونَ؟! وَإِنْ كَانَ لِأَيُفَوِّزُ يَوْمَ الْحَشْرِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ، فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُذْنِبُونَ؟!

سرورم، اگر رحم نکنی کوشش کنندگان در طاعتت راه، پس به سوی چه کسی پناه برند مقصران؟! و اگر نمی‌پذیری جز از تلاش کنندگان، پس به سوی چه کسی پناهنده می‌شوند خطاکاران؟! و اگر جز اهل احسان را گرامی نمی‌داری، پس چه کنند بدکاران؟! و اگر در روز حشر جز پرهیزکاران رستگار نمی‌شوند، پس گناهکاران به چه کسی استغاثه کنند و مدد بخواهند?!

سَيِّدِي إِنْ كَانَ لَا يُجُوزُ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ أَجَازَتْهُ بَرَاءَةٌ عَمَلِهِ فَأَنْتِ بِالْجَوَازِ لِمَنْ لَمْ يَتُبْ إِلَيْكَ قَبْلَ دُنُوِّ أَجَلِهِ؟! وَإِنْ لَمْ تَجِدِي إِلَّا عَلَى مَنْ عَمَرَ بِالزُّهْدِ مَكْنُونٍ سَرِيرَتِهِ، فَمَنْ لِلْمُضْطَرِّ الَّذِي لَمْ يُرْضِهِ بَيْنَ الْعَالَمِينَ سَعْيُ نَفْسِيته؟!

سرورم، اگر بر صراط نگذرد جز آنکه پاکی عملش او را اجازه دهد، چگونه باشد گذشتن آنکه توبه نکرده است پیش از نزدیک شدن اجلش؟! و اگر لطف نکنی جز بر آنکه با زهد آباد کرده باطن و درونش را، پس چه کسی باشد برای بیچاره‌ای که او را خشنود نسازد میان جهانیان تلاش خالص او؟!!

سَيِّدِي إِنْ حَجَبْتَ عَنْ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ نَظَرَ تَعَمُّدِكَ بِخَطِيئَاتِهِمْ أَوْفَعَهُمْ غَضَبُكَ بَيْنَ الْمُشْرِكِينَ بِكُرْبَاتِهِمْ، سَيِّدِي إِنْ لَمْ تَشْمَلْنَا يَدُ إِحْسَانِكَ يَوْمَ الْوُرُودِ اخْتَلَطْنَا فِي الْخِزْيِ يَوْمَ الْحَشْرِ بِدَوَى الْجُحُودِ، فَأَوْجِبْ لَنَا بِالْإِسْلَامِ مَذْخُورَ هِبَاتِكَ، وَأَصْفِ مَا كَدَّرْتَهُ الْجَرَائِمُ بِصَفْحِ صَلَاتِكَ.

سرورم، اگر بپوشانی از اهل توحیدت، نظر گذشتت از خطاهای‌شان را، غضبت، آنان را با اندوه‌شان میان مشرکان می‌افکند. سرورم اگر شامل نگردد ما را دست احسان تو در روز ورود، آمیخته می‌گردیم در رسوایی روز محشر با منکران، پس برای ما واجب ساز به اسلام، بخشش‌های ذخیره گشته‌ات را، و صفا ببخش آنچه را مکرر نموده است گناهان، با گذشت عطاهایت.

سَيِّدِي لَيْسَ لِي عِنْدَكَ عَهْدٌ اتَّخَذْتُهُ، وَلَا كَبِيرٌ عَمَلٍ أَخْلَصْتُهُ، إِلَّا أَنِّي وَاثِقٌ بِكَرِيمِ أَعْمَالِكَ، رَاجٍ لِجَسِيمِ إِفْضَالِكَ، عَوْدَتِي مِنْ جَمِيلِ تَطَوُّلِكَ غَادَةً أَنْتِ أَوْلَى بِإِهْمَامِهَا، وَوَهَبْتِ لِي مِنْ خُلُوصِ مَعْرِفَتِكَ حَقِيقَةً أَنْتِ الْمَشْكُورُ عَلَى إِهْمَامِهَا.

سرورم برای من نیست نزد تو پیمانی که گرفته باشم، و نه عمل بزرگی که خالص نموده باشم، جز اینکه من به کارهای بزرگوارنه‌ات اطمینان دارم، و امیدوار به فضل عظیم تو هستم، مرا عادت داده‌ای نسبت به لطف زیبایت، عادت‌ی که تو، به کامل نمودن آن شایسته‌تر هستی، و بخشیدی به من از معرفت خالصت، حقیقتی را که تو سپاس گفته شده‌ای بر الهام کردن آن.

سَيِّدِي مَا جَفَّتْ هَذِهِ الْعُيُونُ لِفَرْطِ بُكَائِهَا، وَلَا جَادَتْ هَذِهِ الْجُفُونُ بِفَيْضِ مَائِهَا، وَلَا أَسْعَدَهَا نَحِيبُ الْبَاكِاتِ الثُّكُلَاتِ لِفَقْدِ عَزَائِهَا إِلَّا لِمَا أَسْلَفْتَهُ مِنْ عَمْدِهَا وَخَطَائِهَا، وَأَنْتِ الْقَادِرُ سَيِّدِي عَلَى كَشْفِ عَمَائِهَا.

سرورم، این چشم‌ها از شدت گریه خشک نشده، و بخشش نکرده است این پلک‌ها به ریزش اشکش، و کمک نمود آن را گریه‌های بلند زنان عزیز از دست داده در فقدان عزیزان شان، مگر به خاطر آنچه در گذشته به عمد و خطا گناه نموده‌اند، و تو ای سرورم توانایی بر دور کردن اندوه شان.

سَيِّدِي أَمَرْتِ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتِ أَوْلَىٰ بِهِ مِنَ الْمَأْمُورِينَ، وَحَضَّضْتَ عَلَيَّ إِعْطَاءِ السَّائِلِينَ وَأَنْتِ خَيْرُ الْمَسْئُولِينَ، وَنَدَبْتِ إِلَيَّ عِتْقَ الرِّقَابِ وَأَنْتِ خَيْرُ الْمُعْتَقِينَ، وَحَثَّيْتِ عَلَيَّ الصَّفْحِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَأَنْتِ أَكْرَمُ الصَّافِحِينَ.

سرورم، امر به خوبی‌ها نمودی، و تو به آن سزاوارتر هستی از امر شدگان، و تشویق نمودی به عطا کردن سائلان و تو بهترین درخواست شده هستی، و فراخواندی به آزاد کردن بردگان و تو بهترین آزاد کننده هستی، و تشویق نمودی به گذشت کردن از گناهکاران و تو گرامی‌ترین گذشت کننده می‌باشی.

سَيِّدِي إِنْ تَلَوْنَا مِنْ كِتَابِكَ سَعَةً رَحْمَتِكَ، أَشْفَقْنَا مِنْ مُخَالَفَتِكَ وَفَرِحْنَا بِبَدْلِ رَحْمَتِكَ، وَإِذَا تَلَوْنَا ذِكْرَ عِقُوبَتِكَ جَدَدْنَا فِي طَاعَتِكَ، وَفَرِفْنَا مِنْ أَلِيمِ نِقْمَتِكَ، فَلَا رَحْمَتَكَ تُؤْمِنُنَا وَلَا سَخَطُكَ يُؤْيِسُنَا.

سرورم، اگر از کتاب تو، وسعت رحمت را تلاوت کنیم، از مخالفتت به هراس می‌افتیم، و به بخشیدن رحمت شاد می‌گردیم، و هرگاه کیفیت را تلاوت نماییم در طاعتت می‌کوشیم، و از انتقام دردناکت بیمناک می‌شویم، پس نه رحمتت ما را ایمنی می‌بخشد و نه خشمت ما را ناامید می‌سازد.

سَيِّدِي كَيْفَ يَتَمَنَّعُ مَنْ فِيهَا مِنْ طَوَارِقِ الرَّزَايَا، وَقَدْ رُشِقَ فِي كُلِّ دَارٍ مِنْهَا سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ الْمَنَايَا؟! سَيِّدِي إِنْ كَانَ ذَنْبِي مِنْكَ قَدْ أَخَافَنِي فَإِنَّ حُسْنَ ظَنِّي بِكَ قَدْ أَجَارَنِي، وَإِنْ كَانَ خَوْفُكَ قَدْ أَرَبَّقَنِي فَإِنَّ حُسْنَ نَظْرِكَ لِي قَدْ أَطْلَقَنِي، سَيِّدِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا مِنِّي أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ بِالذَّنْبِ أَوْجَهَ وَسَائِلَ عَلَيَّ.

سرورم، چگونه باز داشته می‌شود آنکه در آن است از پیش آمدن مصیبت‌ها، در حالی که به او پرتاب شده است در هر سرایی از آن تیری از تیرهای مرگ؟! سرورم اگر گناهم مرا از تو ترسانده باشد، پس همانا گمان نیکویم به تو مرا پناه داده است، و اگر ترس تو مرا به بند کشیده باشد، پس همانا حسن نظرت به من، رهایم کرده است. سرورم اگر نزدیک شده باشد به من اجلم، و نزدیک نکرده باشد مرا به تو عملم، قرار داده‌ام اعتراف به گناه را موجه‌ترین وسیله عذرخواهی‌ام.

سَيِّدِي مَنْ أَوْلَى بِالرَّحْمَةِ مِنْكَ إِنْ رَحِمْتَ؟ وَمَنْ أَعْدَلُ فِي الْحُكْمِ مِنْكَ إِنْ عَدَبْتَ؟ سَيِّدِي لَمْ تَزَلْ بِرَأْبِ أَيَّامِ حَيَاتِي، فَلَا تَقْطَعْ لَطِيفَ بَرِّكَ بِي بَعْدَ وَفَاتِي، سَيِّدِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ بِي بَعْدَ مَمَاتِي، وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّمْنِي إِلَّا جَمِيلًا فِي حَيَاتِي؟! سَيِّدِي عَفْوُكَ أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ جُرْمٍ، وَنِعْمَتُكَ مَمْحَاةٌ لِكُلِّ إِثْمٍ.

سرورم، چه کسی به رحمت از تو شایسته‌تر است اگر رحمت کنی؟ و چه کسی در حکم عادل‌تر است از تو، اگر عذاب کنی؟ سرورم تو پیوسته در روزهای زندگی نسبت به من نیکوکار بوده‌ای، پس نیکویی کردن پر مهت را قطع مکن نسبت به من، پس از وفاتم. سرورم چگونه از نظر لطف نسبت به خود، پس از مرگم مأیوس شوم، در حالی که تو در زندگی جز نیکی با من عمل ننموده‌ای؟! سرورم عفو تو از هر جرمی عظیم‌تر است، و نعمت محوکننده هر گناهی می‌باشد.

سَيِّدِي إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخَافْتَنِي، فَإِنَّ مَحَبَّتِي لَكَ قَدْ أَمَنَّتَنِي، فَتَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعُدْ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مَنْ قَدْ غَمَّرَهُ جَهْلُهُ، يَا مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةً، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ مِنَ الْعَوَامِضِ خَافِيَةً، فَأَغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَى النَّاسِ مِنْ أَمْرِي، وَخَفَّفْ بِرَحْمَتِكَ مِنْ ثِقَلِ الْأَوْزَارِ ظَهْرِي.

سرورم، اگر گناهانم مرا ترسانده باشد، دوستی‌ام به تو مرا ایمنی بخشیده است، پس بر عهده گیر از امر آنچه تو شایسته آن هستی، و احسان کن با فضلت به آنکه جهلش او را در برگرفته است، ای آنکه پنهان در نزدش آشکار است و بر او پنهان نمی‌ماند پنهان‌های پیچیده، بر من بیخشی آنچه را که از امر من بر مردم پنهان گشته است، و سبک ساز به رحمتت از سنگینی گناهان، پشتم را.

سَيِّدِي سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي فِي الدُّنْيَا وَلَمْ تُظْهِرْهَا، فَلَا تَفْضُخْنِي بِهَا فِي الْقِيَامَةِ وَاسْتُرْهَا، فَمَنْ أَحَقُّ بِالسُّتْرِ مِنْكَ يَا سِتَّارُ، وَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ يَا غَفَّارُ؟! إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمْلِي، وَسَتْرُكَ قَبَلَ عَمَلِي، فَسَرَّنِي بِلِقَائِكَ عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِي.

سرورم، بر من پوشاندی گناهانم را در دنیا و آنها را آشکار نساختی، پس مرا به آنها رسوا مساز در قیامت و آنها را بپوشان، که چه کسی به پوشاندن از تو شایسته‌تر باشد ای پوشاننده عیب‌ها، و چه کسی از تو شایسته‌تر به عفو نمودن گناهکاران است ای بخشایشگر؟! خدای من، جود و بخشش تو آرزویم را گستراند، و پوشاندن پذیرفت عملم را، پس مرا شاد کن به دیدارت هنگام نزدیک شدن اجلم.

سَيِّدِي لَيْسَ اعْتِدَارِي إِلَيْكَ اعْتِدَارَ مَنْ يَسْتَعْنِي عَنْ قَبُولِ عُدْرِهِ، وَلَا تَضْرَعِي تَضْرِعَ مَنْ يَسْتَنْكِفُ عَنْ مَسْأَلَتِكَ لِكَشْفِ ضُرِّهِ، فَاقْبَلْ عُدْرِي يَا خَيْرَ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيؤُنَ، وَأَكْرَمَ مِنْ اسْتَعْفَرَهُ الْخَاطِؤُنَ.

سرورم، عذرخواهی‌ام نزد تو عذرخواهی کسی نیست که از قبول عذرش بی‌نیاز باشد، و نه تضرع کسی است که از درخواست کردن از تو برای برطرف کردن گرفتاری‌اش سر باز زند، پس بپذیر عذر من را، ای بهترین کسی که بدکاران از او عذرخواهی کنند، و گرامی‌ترین کسی که خطاکاران از او آمرزش طلب نمایند.

سَيِّدِي لِأَتْرُدَّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَقْبَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ، وَلَا أَجِدُ غَيْرَكَ مَعْدِلًا بِهَا عَنْكَ، سَيِّدِي لَوْ أَرَدْتَ إِهَانَتِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تَسْتُرْنِي، فَأَدِمِ امْتَاعِي بِمَا لَهُ هَدَيْتَنِي، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي.

سرورم، مرا بازمگردان در حاجتی که عمرم را در تقاضای آن از تو گذرانده‌ام، و نمی‌یابم برای آن کسی را بجای تو. سرورم اگر خواری‌ام را می‌خواستی هدایت نمی‌کردی، و از من مگیر آنچه را که به آن عیب‌هایم را پوشاندی.

سَيِّدِي لَوْلَا مَا افْتَرَفْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا خِفْتُ عِقَابَكَ، وَلَوْلَا مَا عَرَفْتُ مِنْ كَرَمِكَ مَا رَجَوْتُ ثَوَابَكَ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ آمَالِ الْأَمِلِينَ، وَأَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ فِي التَّجَاوُزِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ.

سرورم اگر نمی‌بود آنچه از گناهان مرتکب شده‌ام، از کیفیت نمی‌ترسیدم، و اگر نمی‌بود، آنچه از کرمت شناخته‌ام، به ثواب امید نمی‌بستم، و تو از همه بزرگواران بزرگوارتر هستی در محقق ساختن آرزوهای آرزومندان، و مهربان‌ترین کسی هستی که از او رحمت خواسته می‌شود در گذشت نمودن از گناهکاران.

سَيِّدِي أَلْقَتَنِي الْحَسَنَاتُ بَيْنَ جُودِكَ وَإِحْسَانِكَ، وَأَلْقَتَنِي السَّيِّئَاتُ بَيْنَ عَفْوِكَ وَعَفْرَانِكَ، وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا يَضِيعَ بَيْنَ دَيْنٍ وَدَيْنٍ مُسِيءٌ مُرْتَهَنٌ بِجَرِيرَتِهِ، وَمُحْسِنٌ مُخْلِصٌ فِي بَصِيرَتِهِ.

سرورم، افکنده‌اند نیکی‌ها مرا میان بخشش و احسانت، و افکنده‌اند مرا بدی‌ها میان عفو و آمرزش، و من امیدوارم که تباه نگردد میان این و آن بدکاری که در گرو گناهش مانده، و نیکوکاری که در بصیرتش با اخلاص می‌باشد.

سَيِّدِي إِذَا شَهِدَ لِي الْإِيمَانُ بِتَوْحِيدِكَ، وَنَطَقَ لِسَانِي بِتَمَجِيدِكَ، وَدَلَّنِي الْقُرْآنُ عَلَى فَوَاضِلِ جُودِكَ، فَكَيْفَ لَا يَتَّبِعُ رَجَائِي بِتَحْقِيقِ مَوْعُودِكَ، وَلَا تَفْرَحُ أُمْنِيَّتِي بِحُسْنِ مَزِيدِكَ؟! سَيِّدِي إِنْ عَفَرْتَ فَبِفَضْلِكَ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَبِعَدْلِكَ، فَيَا مَنْ لَا يَرْجُو إِلَّا فَضْلَهُ، وَلَا يُخْشَى إِلَّا عَدْلَهُ، أَمُنُّ عَلَى بِفَضْلِكَ، وَلَا تَسْتَفْصِ عَلَيَّ فِي عَدْلِكَ.

سرورم، اگر ایمان برای من گواهی دهد به توحیدت، و سخن بگویند زبانم به مدح و ثنایت، و راهنمایی کند مرا قرآن به فزونی بخششت، پس چگونه شاداب نگردد امیدم به محقق شدن وعدهات، و شادمان نگردد آرزویم به نیکویی فزودنت؟! سرورم اگر ببخشی به فضلت باشد، و اگر عذاب کنی به عدلت خواهد بود، پس ای آنکه امید نمی رود جز به فضلش، و ترسیده نمی گردد جز از عدلش، بر من منت گذار به فضلت، و مرا در دایره عدالتت مورد بازجویی قرار مده.

سَيِّدِي أَدْعُوكَ دُعَاءَ مِلْحٍ لِأَيِّمَلُ مَوْلَاهُ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ تَضَرُّعَ مَنْ أَقْرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحُجَّةِ فِي دَعْوَاهُ، وَخَضَعَ لَكَ خُضُوعَ مَنْ يُؤْمَلِكُ لِأَخْرَجْتَهُ وَدُنْيَاهُ، فَلَا تَقْطَعْ عِصْمَةَ رَجَائِي، وَاسْمَعْ تَضَرُّعِي، وَأَقْبَلْ دُعَائِي، وَثَبَّتْ حُجَّتِي عَلَى مَا أَثَبَّتْ مِنْ دَعْوَائِي.

سرورم، تو را می خوانم، خواندن اصرارکننده ای که از مولایش به ستوه نمی آید، و تضرع می کنم به سوی تو تضرع کسی که بر خود اقرار نموده است به حجت در دعوایش، و برای تو خاضع گشت، خضوع کسی که به تو امیدوار است برای آخرتش، و دنیایش، پس قطع مکن رشته امیدم را، و بشنو تضرعم را، و بپذیر دعایم را، و استوار ساز حجتم را بر آنچه ثابت نموده ام از دعوایم.

سَيِّدِي لَوْ عَرَفْتُ اعْتِدَاراً مِنَ الذَّنْبِ لَأَتَيْتُهُ، فَإِنَّا الْمَقْرُّ بِمَا أَحْصَيْتُهُ وَجَنَيْتُهُ، وَخَالَفْتُ أَمْرَكَ فِيهِ فَتَعَدَّيْتُهُ، فَهَبْ لِي ذَنْبِي بِالْإِعْتِرَافِ، وَلَا تَرُدَّنِي فِي طَلِبَتِي عِنْدَ الْإِنْصِرَافِ، سَيِّدِي قَدْ أَصَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا قَدْ عَرَفْتُ، وَأَسْرَفْتُ عَلَى نَفْسِي بِمَا قَدْ عَلِمْتُ، فَاجْعَلْنِي عَبْدًا: إِمَّا طَائِعًا فَأَكْرَمْتَهُ، وَإِمَّا عَاصِيًا فَرَحِمْتَهُ.

سرورم، اگر عذر خواستنی از گناه را می شناختم آن را می آوردم، که من اقرار کننده ام به آنچه تو برشمردی و من مرتکب شده ام، و امر تو را در آن مخالفت نمودم و از آن تجاوز کردم، پس گناهم را بر من به اعتراف ببخشای، و رد مکن مرا در مورد خواسته ام هنگام بازگشت. سرورم از گناهان، عمل کرده ام آنچه را که شناخته ای و به آنچه دانسته ای بر خود ستم کرده ام، پس قرار ده مرا بنده ای که یا فرمانبردار، پس او را گرامی داشته ای، و یا معصیت کار که بر او رحم کرده باشی.

سَيِّدِي كَأَنِّي بِنَفْسِي قَدْ أَضْجَعْتُ فِي قَعْرِ حُفْرَتِهَا وَأَنْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشَيِّعُونَ مِنْ جِيرَتِهَا، وَبَكَى عَلَيْهَا الْعَرِيبُ لِطُولِ غُرْبَتِهَا، وَجَادَ عَلَيْهَا بِالذُّمُوعِ الْمُشْفِقُ مِنْ عَشِيرَتِهَا، وَنَادَاهَا مِنْ شَفِيرِ الْقَبْرِ ذُووُ مَوَدَّتِهَا، وَرَحِمَهَا الْمُعَادِي لَهَا فِي الْحَيَاةِ عِنْدَ صَرَغَتِهَا، وَلَمْ يَخَفْ عَلَى النَّاطِرِينَ إِلَيْهَا قَرْطُ فَاقَتِهَا، وَلَا عَلَى مَنْ قَدْ رَأَاهَا تَوَسَّدَتِ الشَّرَى عَجْزُ حَيْلَتِهَا، فَقُلْتُ: مَلَأْتَنِي فَرِيدُ نَأْيٍ عَنْهُ الْأَقْرَبُونَ، وَبَعِيدُ جَفَاهُ الْأَهْلُونَ، وَوَحِيدُ فَارِقَهُ الْمَالُ وَالْبَنُونَ، نَزَلَ بِي قَرِيبًا، وَسَكَنَ

اللَّحَدَ غَرِيبًا، وَكَانَ لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا دَاعِيًا، وَلِنَظْرِي لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ رَاجِيًا؛ فَتُحْسِنُ عِنْدَ ذَلِكَ ضِيَافَتِي، وَتَكُونُ أَشْفَقَ عَلَيَّ مِنْ أَهْلِي وَقَرَابَتِي.

سرورم، گویی خود را می بینم که در قعر گورش آرمیده و از او دور شده اند تشییع کنندگان از همسایگان، و بر او گریسته است غریب برای طولانی بودن غربتش، و بر او بخشیده اشکها را اشخاص دلسوز از خویشاوندانش، و ندا دادند او را دوستانش از لب گورش، و رحم نمود او را دشمن ایام زندگی اش به هنگام افتادنش، و پنهان نماند بر ببندگان او شدت بی چیزی اش، و نه بر آنکه دید او را که در زیر خاک قرار گرفته است بیچارگی اش، پس فرمودی: ای فرشتگانم شخصی تنها که نزدیکان از او دور گشته، و دور مانده ای که خویشان رهایش کرده اند، و تنهایی که مال و فرزندان از او جدا گردیده اند، در نزدیکی بر من فرود آمده، و غریب در گور ساکن شده است، و او همواره مرا می خواند در سرای دنیا، و به نظر لطف من در چنین روزی امیدوار بود و تو نیکو می داری آنگاه میزبانیم را، و بر من دلسوزتر از خانواده و خویشانم می شوی.

إِلَهِي وَسَيِّدِي لَوْ أَطْبَقْتَ دُنُوبِي مَا بَيَّنَّ تَرَى الْأَرْضِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ، وَخَرَقْتَ النُّجُومَ إِلَى حَدِّ الْإِنْتِهَاءِ، مَا رَدَّنِي الْيَأْسُ عَنْ تَوْفَعِ غُفْرَانِكَ، وَلَا صَرَفَنِي الْقُنُوطُ عَنِ انْتِظَارِ رِضْوَانِكَ، سَيِّدِي قَدْ ذَكَرْتُكَ بِالذِّكْرِ الَّذِي أَلْهَمْتَنِيهِ، وَوَحَدَّثَكَ بِالتَّوْحِيدِ الَّذِي أَكْرَمْتَنِيهِ، وَدَعَوْتُكَ بِالدُّعَاءِ الَّذِي عَلَّمْتَنِيهِ، فَلَا تَحْرِمْنِي بِرَحْمَتِكَ الْجَزَاءَ الَّذِي وَعَدْتَنِيهِ، فَمِنَ النِّعْمَةِ لَكَ عَلَيَّ أَنْ هَدَيْتَنِي بِحُسْنِ دُعَائِكَ، وَمِنْ إِثْمَامِهَا أَنْ تُوَجِّبَ لِي مُحَمَّدًا جَزَائِكَ.

خدای من و سرورم، اگر گناهانم پُر می کرد میان روی زمین تا اوج آسمان را، و ستارگان را تا مرز نهایی می شکافتند، یأس مرا باز نمی گردانید از انتظار آمرزش، و نومیدی مرا دور نمی ساخت از انتظار خشنودیت. سرورم، تو را یاد کردم به یادی که مرا الهام نمودی، و تو را یگانه دانستم به یگانگی که تو آن را به من کرامت فرمودی، و خواندم تو را به دعایی که مرا یاد داده ای، پس به رحمتت مرا محروم مساز از پاداشی که مرا وعده نمودی، که از نعمت تو بر من بود که مرا به خواندن نیکویت هدایت کردی، و از کمال آن است که پاداش ستوده ات را برایم واجب گردانی.

سَيِّدِي أَنْتَظِرُ عَفْوَكَ كَمَا يَنْتَظِرُهُ الْمُذْنِبُونَ، وَلَسْتُ أَيْأَسُ مِنْ رَحْمَتِكَ الَّتِي يَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنُونَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي انْهَمَلْتُ بِالسَّكْبِ عِبْرَاتِي، حِينَ ذَكَرْتُ خَطَايَايَ وَعَثْرَاتِي، وَمَا لَهَا لِاتْنَمِهْلِ وَتَجْرِي وَتَفِيضُ مَاءِهَا وَتَذَرِي وَلَسْتُ أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي! وَعَلَى مَا يَتَهَجَّمُ عِنْدَ الْبُلَاغِ مَسِيرِي! يَا أُنْسَ كُلِّ غَرِيبٍ مُفْرَدٍ أُنْسَ فِي الْقَبْرِ وَحَشْتِي، وَيَا ثَانِي كُلِّ وَحِيدٍ أَرْحَمَ فِي الثَّرَى طُولَ وَحْدَتِي.

سرورم، منتظر عفو تو هستم، آنگونه که گناهکاران منتظر آند، و ناامید نمی‌شوم از رحمت، که نیکوکاران در انتظار آن می‌باشند، ای خدای من و سرورم، فرو ریختن آغاز نمودند اشک‌هایم آنگاه که خطاها و لغزش‌هایم را به یاد آوردم، و چرا فرو نریزند و روان نشوند، و آب خود را سرازیر نکنند و نریزند، در حالی که من نمی‌دانم که سرنوشتم چه خواهد بود! و بر چه چیزی مسیر من خواهد گذشت؟! ای انس هر غریب تنها، مأنوس ساز، در قبر وحشتم را، و ای دوم هر تنهایی رحم کن در زیر خاک تنهایی طولانی‌ام را.

سَيِّدِي كَيْفَ نَظَرَكَ لِي بَيْنَ سُكَّانِ الثَّرَى؟ وَكَيْفَ صَنِعَكَ بِي فِي دَارِ الْوَحْشَةِ وَالْبِلَى؟ فَقَدْ كُنْتُ بِي لَطِيفًا أَيَّامَ حَيَاةِ الدُّنْيَا، يَا أَفْضَلَ الْمُنْعِمِينَ فِي آلَائِهِ، وَأَنْعَمَ الْمُفْضِلِينَ فِي نِعْمَائِهِ، كَثُرَتْ أَيْدِيكَ فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا، وَضَفْتُ ذُرْعًا فِي شُكْرِي لَكَ بِجَزَائِهَا، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَ مِنَ التَّفْضُلِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَبْلَيْتَ مِنَ التَّطَوُّلِ.

سرورم، نظرت به من در میان ساکنان خاک چگونه خواهد بود؟ و با من چگونه رفتار خواهی کرد در سرای وحشت و فرسودگی؟ تو به من لطف داشتی در روزهای زندگی دنیا، ای برترین نعمت دهندگان در نعمت‌هایش، و نعمت دهنده‌ترین احسان کنندگان در الطافش، الطافت فراوان گشت و من ناتوان شدم از شمارش آنها، و عاجز ماندم در سپاسگزاری‌ام از تو در پاداش شان، پس سپاس تو را است بر آنچه از عنایت کردی تفضل، و شکر تو را است بر آنچه از لطف عطا نمودی.

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ الدَّاعُونَ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ الرَّاجُونَ، بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَبِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ أَسْتَشْفِعُ وَأَتَقَرَّبُ، وَأُقَدِّمُهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي إِلَيْكَ فِي الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ. اَللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاجْعَلْنِي بِحُبِّهِمْ يَوْمَ الْعَرْضِ عَلَيْكَ نَبِيهَاً وَمِنَ الْأَنْجَاسِ وَالْأَرْجَاسِ نَزِيهَاً، وَبِالْتَّوَسُّلِ بِهِمْ إِلَيْكَ مَقْرَبًا وَجِيهَاً.

ای بهترین کسی که بخوانند او را دعاکنندگان، و برترین کسی که امیدواران به او امید بندند، به عظمت اسلام به تو متوسل می‌شوم، و به حرمت قرآن بر تو اعتماد می‌ورزم، و به محمد و اهل بیتش شفاعت می‌جویم و تقرب می‌طلبم، و آنان را پیشاپیش حاجتم نزد تو مقدم می‌دارم در شوق و هراس. خداوندا، درود فرست بر محمد و اهل بیت پاکش، و مرا قرار ده به دوستی ایشان صاحب منزلت در روز عرضه شدن بر تو و پاک شده از نجاست‌ها و پلیدی‌ها، و با توسل به آنان نزد تو مقرب و آبرومند.

يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ وَالتَّجَاوُزِ، وَمَعْدِنَ الْعَوَارِفِ وَالْجَوَائِزِ، كُنْ عَنِّي دُنُوبِي صَافِحًا مُتَجَاوِزًا، وَهَبْ لِي مِنْ مَرَأَبَتِكَ مَا يَكُونُ بَيْنِي وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ حَاجِرًا.

ای بزرگوار در چشم‌پوشی و گذشت، و ای معدن عطاها و جوایز، باش از گناهانم چشم‌پوشی کننده و درگذرنده، و ببخش به من از مراقبت و ترس تو آنچه باشد میان من و میان معصیت بازدارنده.

سَيِّدِي إِنَّ مَنْ تَقَرَّبَ مِنْكَ لَمَكِينٌ مِنْ مَوْلَاتِكَ، وَإِنَّ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ لَقَمِيمٌ بِمَرَضَاتِكَ وَإِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ لَعَيْرٌ مَجْهُولٌ وَإِنَّ مَنْ اسْتَجَارَ بِكَ لَعَيْرٌ مَخْذُولٌ.

سرورم، هر کس به تو تقرب جست از ارادت به تو جایگاه یافت، و هر کس به تو دوستی نمود شایسته خشنودی تو گشت، و هر کس به تو آشنا شد ناشناخته نخواهد بود، و هر کس به تو پناه جست وا گذاشته نخواهد شد.

سَيِّدِي أَتَرَكَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ وَجْهًا طَالَمَا خَرَّ سَاجِدًا بَيْنَ يَدَيْكَ؟! أَمْ تَرَكَ تَعْلُ إِلَى الْأَعْنَاقِ أَكْفًا طَالَمَا تَضَرَّعْتَ فِي دُعَائِهَا إِلَيْكَ؟! أَمْ تَرَكَ تُقَيِّدُ بِأَنْكَالِ الْجَحِيمِ أَقْدَامًا طَالَمَا خَرَجْتَ مِنْ مَنَازِلِهَا طَمَعًا فِيمَا لَدَيْكَ، مَنَّا مِنْكَ عَلَيْهَا لِأَمَّا مِنْهَا عَلَيْكَ؟!

سرورم، آیا می‌بینم تو را که بسوزانی به آتش چهره‌ای را که مدت‌ها به سجده افتاده است در پیشگاهت؟! یا می‌بینم تو را که می‌بندی بر گردن‌ها دست‌هایی را که مدت‌ها تضرع نموده در دعایش به سوی حضرتت، یا می‌بینم تو را که مقید می‌سازی با بندهای سخت جهنم پاهایی را که مدت‌ها و بارها از منزلشان خارج شدند به طمع آنچه نزد توست، منتی از تو بر آنها است نه منتی از آنها بر تو؟!!

سَيِّدِي كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا سُكْرِي! وَكَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي بِهَا عَجَزَ عَنْهَا صَبْرِي! فَيَا مَنْ قَلَّ سُكْرِي عِنْدَ نِعْمِهِ فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَجَزَ عَنْهَا صَبْرِي عِنْدَ بَلِيَّتِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي، جَمِيلٌ فَضْلِكَ عَلَيَّ أَبْطَرْنِي، وَجَلِيلٌ حِلْمِكَ عَنِّي غَرَّنِي.

سرورم، چه بسیار نعمت‌ها برای تو بر من باشد که سپاسگزاری‌ام برای تو در مورد آنها اندک بوده است! و چه بسیار بلاها که مرا به آنها مبتلا ساختی و صبر من از آنها ناتوان گشت! پس ای آنکه سپاسگزاری‌ام در برابر نعمت‌هایش اندک شد و محروم نکرد مرا، و ناتوان شد شکیبایی‌ام هنگام بلایش و وانگذاشت مرا، فضل و احسان نیکویت بر من، مرا سرکش کرد، و بردباری زیادت نسبت به من مرا مغرور ساخت.

سَيِّدِي قَوَيْتُ بِعَافِيَتِكَ عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ، وَأَنْفَقْتُ نِعْمَتَكَ فِي سَبِيلِ مُخَالَفَتِكَ وَأَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي غَيْرِ طَاعَتِكَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ جُرْأَتِي عَلَيَّ مَا عَنْهُ نَهَيْتَنِي، وَلَا انْتِهَاجِي مَا مِنْهُ حَذَرْتَنِي أَنْ سَتَرْتَنِي بِحِلْمِكَ السَّاتِرِ، وَحَجَبْتَنِي عَنْ عَيْنِ كُلِّ نَاطِرٍ، وَعَدَّتْ بِكَرِيمِ أَيَادِيكَ حِينَ عُدْتُ بِإِزْتِكَابِ مَعْصِيَتِكَ فَأَنْتَ الْعَوَادُ بِالْإِحْسَانِ، وَأَنَا الْعَوَادُ بِالْعِصْيَانِ.

سرورم، با عافیت بر نافرمانی‌ات نیرومند گشتم، و نعمت را صرف کردم در راه مخالفت، و عمرم را تباه کردم در غیر طاعت، و تو را بازداشت گستاخی‌ام بر آنچه نهی کرده‌ای، و نه جسارت نمودن به آنچه مرا از آن برحذر داشتی، که مرا با حلم پوشانده‌ات مستور سازی، و بیوشانی مرا از چشم هر بیننده‌ای، و بازگشتی با الطاف بزرگوارانه‌ات به سوی من هنگامی که بازگشتم به ارتکاب نافرمانی‌هایت، که تو بسیار بازگشت کننده به نیکی هستی، و من بسیار بازگشت کننده به نافرمانی هستم.

سَيِّدِي أَتَيْتُكَ مُعْتَرِفًا لَكَ بِسُوءِ فِعْلِي، خَاضِعًا لَكَ بِاسْتِكَانَةِ ذُنُوبِي، رَاجِيًا مِنْكَ جَمِيلَ مَا عَرَفْتَنِيهِ، مِنَ الْفَضْلِ الَّذِي عَوَّدْتَنِيهِ، فَلَا تَصْرِفْ رَجَائِي مِنْ فَضْلِكَ خَائِبًا، وَلَا تَجْعَلْ ظَنِّي بِتَطَوُّلِكَ كَاذِبًا، سَيِّدِي إِنَّ أَمَلِي فِيكَ يَتَجَاوَزُ أَمَالَ الْأَمَلِينَ، وَسْوَالِي إِيَّاكَ لِأَيْشِيهِ سُؤَالَ السَّائِلِينَ، لِأَنَّ السَّائِلَ إِذَا مُنِعَ امْتَنَعَ عَنِ السُّؤَالِ، وَأَنَا فَلَا غِنَاءَ بِي عَنْكَ فِي كُلِّ حَالٍ.

سرورم، به سوی تو آمده‌ام اعتراف کننده، به بدکاری‌ام، خضوع کننده برای تو، به بیچارگی خواری‌ام، امیدوار از تو زیبای آنچه را به من شناسانده‌ای از فضلی که مرا به آن عادت داده‌ای، پس بازگردان امیدم را ناکام از فضلت، و قرار مده گمانم را دروغ در مورد لطف، سرورم آرزویم نسبت به تو از آرزوی آرزومندان می‌گذرد، و درخواست من از تو همانند درخواست گدایان نیست، زیرا که گدا را اگر ندهند خودداری می‌کند از درخواست ولی مرا در هر حالی از تو بی‌نیازی نباشد.

سَيِّدِي غَرَبَنِي بِكَ حِلْمُكَ عَنِّي إِذْ حَلَمْتَ، وَعَفْوُكَ عَن ذُنُوبِي إِذْ رَحِمْتَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ قَادِرٌ أَنْ تَقُولَ لِلْأَرْضِ خُذِيهِ فَتَأْخُذْنِي، وَلِلسَّمَاءِ أَمْطِرِيهِ حِجَارَةً فَتَمْطِرْنِي، وَلَوْ أَمَرْتَ بَعْضِي أَنْ يَأْخُذَ بَعْضًا لَهَا أَمَهْلَنِي، فَاْمُنْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ عَن ذُنُوبِي، وَتُبَّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِي.

سرورم، مرا مغرور ساخته به تو بردباری‌ات نسبت به من چون بردباری نمودی، و عفو تو از گناهم آنگاه که مرا رحم کردی، و دانسته‌ام که تو توانا هستی که به زمین بگویی او را بگیر و مرا بگیرد، و به آسمان، که بر او سنگ ببارد و بر من ببارد، و اگر دستور دهی به برخی از اندام‌هایم که برخی دیگر را بگیرد، مرا مهلت نمی‌دادند، پس منت گذار بر من به عفو از گناهم، و بپذیر توبه مرا توبه‌ای حقیقی که به آن پاک نمایی قلبم را.

سَيِّدِي أَنْتَ نُورِي فِي كُلِّ ظُلْمَةٍ، وَذُخْرِي لِكُلِّ مِلْمَةٍ، وَعِمَادِي عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْبِيْسِي فِي كُلِّ خَلْوَةٍ وَوَحْدَةٍ، فَأَعِذْنِي مِنْ سُوءِ مَوَاقِفِ الْخَائِبِينَ، وَاسْتَنْقِذْنِي مِنْ دُلِّ مَقَامِ الْكَاذِبِينَ.

سرورم، تو نور من در هر تاریکی هستی، و ذخیره‌ام در هر حادثه ناگواری، و تکیه‌گاه من در هر سختی، و همدم من در هر خلوت و تنهایی، پس پناه ده مرا از بدی جایگاه‌های ناکامان، و رهایم ساز از خواری جایگاه دروغگویان.

سَيِّدِي أَنْتَ دَلِيلٌ مِّنْ أَنْقَطَحٍ دَلِيلُهُ، وَأَمَلٌ مِّنْ أَمْتَنَعَ تَأْمِينُهُ، فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي حَالَتْ بَيْنَ دُعَائِي وَإِجَابَتِكَ، فَلَمْ يَحُلْ كَرَمُكَ بَيْنِي وَبَيْنَ مَغْفِرَتِكَ، وَإِنَّكَ لَاتُضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ، وَلَا تُذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَلَا يُفْتَقِرُ مَنْ أَعْنَيْتَ، وَلَا يُسْعَدُ مَنْ أَشَقَيْتَ، وَعِزَّتِكَ لَقَدْ أَحْبَبْتِكَ مَحَبَّةً اسْتَقَرَّتْ فِي قَلْبِي حَلَاوَتُهَا، وَأَنْسَتُ نَفْسِي بِبِشَارَتِهَا، وَمَحَالٌ فِي عَدْلِ أَفْضِيَّتِكَ، أَنْ تُسَدَّ أَسْبَابَ رَحْمَتِكَ عَنِّي مُعْتَقِدِي مَحَبَّتِكَ.

سرورم، تو راهنمای هر کسی هستی که از راهنمایش جدا افتاده، و آرزوی هر کسی که آرزومندی‌اش بازداشته شده باشد، پس اگر گناهانم میان دعایم و اجابت فاصله انداخته باشد، کرمت فاصله نمی‌اندازد میان من و آمرزش، و تو گمراه نمی‌سازی هر کس را که هدایت کرده‌ای، و خوار نمی‌داری هر کس را که سرپرستی کنی، و فقیر نمی‌گردد کسی که بی‌نیازش نموده‌ای، و خوشبخت نمی‌گردد هر کس که او را شقاوتمند کرده باشی، سوگند به عزتت که تو را دوست دارم، محبتی که شیرینی‌اش در قلبم ثابت گشته، و جانم به مزده‌اش مانوس گردیده است، و محال است در فرمان عادلانه‌ات که راه‌های رحمتت را از معتقدان محبتت ببندی.

سَيِّدِي لَوْلَا تَوْفِيقُكَ ضَلَّ الْخَائِرُونَ، وَلَوْ لَاتَسَدِيدُكَ لَمْ يَنْجُ الْمُسْتَبْصِرُونَ، أَنْتَ سَهَّلْتَ لَهُمُ السَّبِيلَ حَتَّى وَصَلُوا، وَأَنْتَ أَيْدَتْهُمْ بِالتَّقْوَى حَتَّى عَمِلُوا، فَالِنِّعْمَةِ عَلَيْهِمْ مِنْكَ جَزِيلَةٌ، وَالْمِنَّةُ مِنْكَ لَدَيْهِمْ مَوْضُوعَةٌ.

سرورم، اگر توفیقت نبود، سرگشتگان گمراه می‌شدند، و اگر توفیق تو نبود نجات نمی‌یافتند راه یافته‌گان، تو راه را برای آنان آسان کردی تا رسیدند، و تو آنان را به تقوا تأیید نمودی تا عمل کردند، پس نعمت از تو بر آنان فراوان، و منت از تو نزد آنان پیوسته است.

سَيِّدِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ مَسْكِينٍ ضَارِعٍ، مُسْتَكِينٍ خَاضِعٍ، أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُؤَقِنِينَ خُبْرًا وَفَهْمًا، وَالْمُحِيطِينَ مَعْرِفَةً وَعِلْمًا، إِنَّكَ لَمْ تُنْزِلْ كِتَابَكَ إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَمْ تُرْسِلْ رُسُلَكَ إِلَّا بِالصِّدْقِ، وَلَمْ تَتْرِكْ عِبَادَكَ هَمَلًا وَلَا سُدًى، وَلَمْ تَدْعُهُمْ بِغَيْرِ بَيَانٍ وَلَا هُدًى، وَلَمْ تَدْعُهُمْ إِلَّا إِلَى الطَّاعَةِ، وَلَمْ تَرْضَ مِنْهُمْ بِالْجَهَالَةِ وَالْإِضَاعَةِ، بَلْ خَلَقْتَهُمْ لِيَعْبُدُوكَ، وَرَزَقْتَهُمْ لِيَحْمَدُوكَ، وَدَلَلْتَهُمْ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ لِيُوحِّدُوكَ، وَلَمْ تُكَلِّفْهُمْ مِنَ الْأَمْرِ مَا لَا يُطِيقُونَ، وَلَمْ تُخَاطِبْهُمْ بِمَا يَجْهَلُونَ، بَلْ هُمْ بِمَنْهَجِكَ عَالِمُونَ، وَبِحُجَّتِكَ مَخْضُوعُونَ، أَمْرُكَ فِيهِمْ نَافِذٌ، وَقَهْرُكَ بِنَوَاصِيهِمْ آخِذٌ، تَجَبَّبِي مَن تَشَاءُ فَتَدْنِيهِ،

وَتَهْدِي مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مِنْ مَعَاصِيكَ فِتْنَجِيهِ، تَفْضُلًا مِنْكَ بِجَسِيمِ نِعْمَتِكَ، عَلَى مَنْ أَدْخَلْتَهُ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَأَرْأَفَ الرَّاحِمِينَ.

سرورم، از تو درخواست می‌کنم درخواست مسکینی تضرع کننده و بیچاره‌ای فروتن، که قرار دهی مرا از یقین کنندگان از جهت علم و فهم، و احاطه کنندگان از جهت معرفت و علم، که تو فرود نیابودی کتاب‌هایت را جز به حق، و نفرستادی فرستادگانت را جز به صدق و راستی، و رها نکردی بندگانت را بیهوده و نه مهمل و بدون تکلیف، و آنان را وانگذاشتی بدون بیان و هدایت، و فرانخواندی آنان را جز به طاعت، و از آنها خرسند نگشتی به جهالت و تباہکاری، بلکه آنان را آفریدی تا تو را بپرستند، و روزی دادی ایشان را تا سپاست گویند، و رهنمون گشتی آنان را بر یگانگی‌ات تا تو را یگانه بدانند، و بر عهده‌شان نگذاشتی آنچه را از عهده‌اش بر نیابند، و خطاب‌شان نمودی به آنچه ندانند، بلکه آنان به شیوه‌ات آگاهند، و به حجت مخصوص گشته‌اند، امر تو در آنها نافذ است، و قدرتت زمام آنها را گرفته است، هر که را خواهی بر می‌گزینی و نزدیک می‌سازی، و هدایت می‌کنی هر کس را که بازگشته باشد به سوی تو از نافرمانی‌ات، و او را نجات می‌بخشی، تفضلی از تو با نعمت عظیمت، بر آنکه داخل نموده‌ای او را در رحمت گسترده‌ات، ای گرامی‌ترین بزرگواران و مهربان‌ترین مهربانان.

سَيِّدِي خَلَقْتَنِي فَأَكْمَلْتَ تَقْدِيرِي وَصَوَّرْتَنِي فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرِي، فَصِرْتُ بَعْدَ الْعَدَمِ مَوْجُودًا وَبَعْدَ الْمَغِيبِ شَهِيدًا وَجَعَلْتَنِي بِتَحْنِنِ رَأْفَتِكَ تَامًّا سَوِيًّا، وَحَفَظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ سَائِغًا هَنِيبًا ثُمَّ وَهَبْتَ لِي رَحْمَةَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ، وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَالْمُرَبِّيَاتِ، كَافِيًا لِي شُرُورِ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، مُسَلِّمًا لِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ، حَتَّى أَفْصَحْتُ نَاطِقًا بِالْكَلَامِ، ثُمَّ أَنْبَتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، وَقَدْ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مَلَاسِ الْإِنْعَامِ.

سرورم، مرا آفریدی و تقدیرم را کامل نمودی، و صورتم بخشیدی و نیکو ساختی صورتم را، پس، بعد از نیستی موجود شدم، و بعد از غایب بودن حاضر گشتم. و قرار دادی مرا با عطوفت مهربانی‌ات با آفرینشی کامل و متعادل، و نگهداشتی مرا در گهواره در حالی که کودکی خردسال بودم، و روزی دادی مرا غذایی روان و گوارا، سپس به من بخشیدی رحمت پدران و مادران را، و مهربان ساختی بر من دل‌های زنان پرورش دهنده و تربیت کننده را، مرا بازداشتی از شر و بدی انسان‌ها و پریان، سلامت دادی مرا از افزونی و کاستی، تا گویا شدم به سخن گفتن، سپس مرا در هر سال رشدی فزون‌تر دادی، و فراوان ساختی بر من جامه‌های احسان را.

ثُمَّ رَزَقْتَنِي مِنَ الْأَطَافِ الْمَعَاشِ وَأَصْنَافِ الرِّيَاشِ، وَكَنْفَتَنِي بِالرَّعَايَةِ فِي جَمِيعِ مَذَاهِبِي، وَبَلَّغْتَنِي مَا أَحَاوُلُ مِنْ سَائِرِ مَطَالِبِي، إِنَّمَا لِنِعْمَتِكَ لَدَيَّ، وَإِيجَابًا لِحُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَذَلِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهُ الْقَائِلُونَ، أَوْ يُثْنِي بِشُكْرِهِ الْعَامِلُونَ،

فَخَالَفْتُ مَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، وَافْتَرَفْتُ مَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، فَظَاهَرْتَ عَلَيَّ جَمِيلَ سِتْرِكَ، وَأَدْنَيْتَنِي بِحُسْنِ نَظْرِكَ وَبِرِّكَ،
وَلَمْ يُبَاعِدْنِي عَنْ إِحْسَانِكَ تَعَرُّضِي لِعِصْيَانِكَ، بَلْ تَابَعْتَ عَلَيَّ فِي نِعْمِكَ، وَعَدْتِ بِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ
أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، وَإِنْ أَمْسَكْتُ عَنْ مَسْأَلَتِكَ ابْتَدَأْتَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَوَادِي
أَيَادِيكَ وَتَوَالِيهَا، حَمْدًا يُضَاهِي آلاءَكَ وَيُكَافِيهَا.

پس از آن روزی‌ام دادی از نعمت‌های معیشت و انواع جامه و لباس، و در پناهم گرفتی با رعایت در همه راه‌هایم، و رساندی مرا به آنچه می‌خواسته‌ام از دیگر خواسته‌هایم، برای کامل نمودن نعمت نزد من، و واجب ساختن. حجت بر من، و آن بیش از آن است که به شمار آورند آن را گویندگان، یا بستایند سپاسش را عمل کنندگان، پس مخالفت نمودم با آنچه مرا به تو نزدیک می‌سازد، و عمل کردم آنچه مرا از تو دور می‌نماید، پس پوشش نیکویت را بر من آشکار نمودی، و نزدیک ساختی مرا به حسن نظر و نیکوکاری‌ات، و مرا دور ساخت از احسانت، دست زدنم به نافرمانی‌ات، بلکه نعمت‌هایت را پی در پی به من دادی، و بازگشتی با فضل و کرم، پس هرگاه تو را خواندم اجابت کردی، و هرگاه از تو خواستم مرا عطا نمودی، و اگر سپاست گفتم افزون‌ترم دادی، و اگر خودداری کردم از درخواست نمودن تو آغاز کردی، پس سپاس تو را است بر آغاز الطافت و پی در پی بودن‌شان، سپاسی که مناسب باشد به نعمت‌هایت و آنها را سزاوار باشد.

سَيِّدِي سَتَرْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا دُنُوبًا ضَاقَ عَلَيَّ مِنْهَا الْمَخْرَجُ، وَأَنَا إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ فِي الْقِيَامَةِ أَحْوَجُ، فَيَا مَنْ جَلَلَنِي
بِسِتْرِهِ عَنِ لَوَاحِظِ الْمُتَوَسِّمِينَ لَا تَزِلْ سِتْرَكَ عَنِّي عَلَى رُؤُوسِ الْعَالَمِينَ.

سرورم، پوشاندی بر من در دنیا گناهی را که راه خارج شدن از آنها بر من تنگ شده بود، و من به پوشاندن آنها بر خود در قیامت نیازمندتر هستم، پس ای آنکه مرا پوشاند با پوشش خود از دیدگان تیز بینان، بر کنار مکن پوششت را از من در حضور جهانیان.

سَيِّدِي أَعْطَيْتَنِي فَاسْنَيْتَ حَظِّي، وَحَفِظْتَنِي فَأَحْسَنْتَ حِفْظِي، وَغَدَّيْتَنِي فَأَنْعَمْتَ غِذَائِي، وَحَبَوْتَنِي فَأَكْرَمْتَ مَثْوَايَ،
وَتَوَلَّيْتَنِي بِعَوَائِدِ الْبِرِّ وَالْإِكْرَامِ، وَخَصَّصْتَنِي بِتَوَافِلِ الْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جَزِيلِ جُودِكَ وَتَوَافِلِ مَزِيدِكَ،
حَمْدًا جَامِعًا لِشُكْرِكَ الْوَاجِبِ، مَا نِعَاءً مِنْ عَذَابِكَ الْوَاصِبِ مُكَافِئًا لِمَا بَدَّلْتَهُ مِنْ أَفْسَامِ الْمَوَاهِبِ.

سرورم، مرا عطا نمودی و بهره‌ام را بالا بردی، و نگه داشتی مرا و نیکو داشتی نگهداری‌ام را، و غذایم دادی و غذایم را نیکو ساختی، و نزدیکم گردانیدی و جایگاهم را گرامی داشتی، و سرپرستی‌ام نمودی با الطاف نیکو و بزرگواری‌ات، و مخصوصم گردانیدی با افزونی‌های فضل و احسان، پس سپاس تو راست بر فراوانی بخشش و

فزونی‌های افزودنت، سپاسی فراگیرنده شکر واجب، بازدارنده از عذاب ثابت و پیوسته‌ات، سزاوار آنچه بخشیده‌ای از انواع بخشش‌هایت.

سَيِّدِي عَوَّدْتَنِي إِسْغَافِي بِكُلِّ مَا أَسْأَلُكَ، وَإِجَابَتِي إِلَى تَسْهِيلِ كُلِّ مَا أَحَاوِلُهُ، وَأَنَا أَعْتَمِدُكَ فِي كُلِّ مَا يَعْرِضُ لِي مِنَ الْحَاجَاتِ، وَأَنْزِلُ بِكَ كُلَّ مَا يَخْطُرُ بِيَالِي مِنَ الطَّلِبَاتِ، وَاثِقًا بِقَدِيمِ طَوْلِكَ، وَمُدِلًّا بِكَرِيمِ تَفْضُلِكَ، وَأَطْلُبُ الْخَيْرَ مِنْ حَيْثُ تَعَوَّدْتَهُ، وَالْتَمِسُ النُّجْحَ مِنْ مَعْدِنِهِ الَّذِي تَعَرَّفْتُهُ، وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَكِلُ الْأَجِينَ إِلَيْكَ إِلَّا إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تُخْلِي الرَّاجِينَ لِحُسْنِ تَطَوُّلِكَ مِنْ نَوَافِلِ بَرِّكَ.

سرورم عادت‌م دادی به روا شدن حاجتم در هر چه از تو بخواهم، و به اجابت‌م، برای آسان کردن هر چه در آن کوشیده‌ام، و من بر تو اعتماد می‌ورزم در هر چیزی که برایم پیش آید از حاجت‌ها، و به تو عرضه می‌کنم هر آنچه از خواسته‌ها که در اندیشه‌ام بگذرد، از جهت اطمینانی که به لطف دیرینه تو دارم، و اعتماد دارم بر تفضل بزرگوانه‌ات، و خیر را درخواست می‌کنم از جایی که بدان عادت کرده‌ام، و رستگاری می‌جویم از معدنش که با آن آشنا گشته‌ام، و می‌دانم که تو نمی‌سپاری پناهندگان به سوی خودت را به غیر از خودت، و محروم نمی‌سازی امیدواران به لطف زیباییت را از افزونی‌های نیکی‌ات.

سَيِّدِي تَتَابَعَ مِنْكَ الْبِرُّ وَالْعَطَاءُ، فَلَزِمَنِي الشُّكْرُ وَالشُّنَاءُ، فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْشُرُهُ وَأَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ، وَلَا قَوْلٍ أُعِيدُهُ وَأُبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ، إِلَّا كُنْتُ لَهُ أَهْلًا وَمَحَلًّا، وَكَانَ فِي جَنْبِ مَعْرُوفِكَ مُسْتَضْعَرًّا مُسْتَقَلًّا.

سرورم، نیکی و بخشش از تو پی در پی باشد، پس سپاس و ستایش مرا لازم گشت، پس نیست هیچ چیزی از آنچه آشکار می‌کنم و پنهان می‌دارم از سپاست، و نه گفتاری که تکرار می‌کنم و آشکار می‌نمایم در یاد نمودنت، جز اینکه تو اهل و شایسته آن بوده‌ای، و آن در کنار احسانت ناچیز و اندک بوده است.

سَيِّدِي أَسْتَزِيدُكَ مِنْ فَوَائِدِ النِّعَمِ، غَيْرَ مُسْتَبْطِئٍ مِنْكَ فِيهِ سِنِّي الْكَرَمِ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ بَوَادِرِ النَّقَمِ، غَيْرَ مُخَيِّلٍ فِي عَدْلِكَ خَوَاطِرَ التُّهَمِ.

سرورم از تو فزونی می‌خواهم از فواید نعمت‌ها، و دیر نمی‌پندارم در آن از تو بزرگواری ارزشمند را، و از تو پناه می‌جویم از پیش آمدن بلاها، بدون اینکه در مورد عدلت خیالی از متهم کردن داشته باشم.

سَيِّدِي عَظَمَ قَدْرُ مَنْ أَسْعَدْتَهُ بِاصْطِفَائِكَ، وَعَدِمَ النَّصْرَ مَنْ أَبْعَدْتَهُ مِنْ فِتَائِكَ.

سرورم بزرگ شد ارزش آنکه او را به برگزیدنت خوشبخت گردانیدی، و از دست داد نصرت را هر کس که او را دور ساختی از درگاهت.

سَيِّدِي مَا أَعْظَمَ رَوْحَ قُلُوبِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَأَنْجَحَ سَعَى الْأَمْلِينَ لِمَا لَدَيْكَ!

سرورم چه بزرگ است آسایش دل‌های توکل‌کنندگان بر تو، و چه رستگار است تلاش آرزومندان به آنچه نزد توست!

سَيِّدِي أَنْتَ أَنْقَذْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ حَيْرَةِ الشُّكُوكِ، وَأَوْصَلْتَ إِلَى نُفُوسِهِمْ حَبْرَةَ الْمُلُوكِ، وَزَيَّنْتَهُمْ بِحِلْيَةِ الْوَقَارِ وَالْهِيبَةِ، وَأَسْبَلْتَ عَلَيْهِمْ سُتُورَ الْعِصْمَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَصَيَّرْتَ هِمَمَهُمْ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ، وَحَبَوْتَهُمْ بِخَصَائِصِ الْفَوَائِدِ وَالْحِبَاءِ، وَعَقَّدْتَ عَزَائِمَهُمْ بِحَبْلِ مَحَبَّتِكَ، وَأَثَرْتَ خَوَاطِرَهُمْ بِتَحْصِيلِ مَعْرِفَتِكَ، فَهُمْ فِي خِدْمَتِكَ مَتَصَرِّفُونَ، وَعِنْدَ نَهْيِكَ وَأَمْرِكَ وَاقِفُونَ وَبِمَنَاجَاتِكَ أَنْسُونَ، وَلَكَ بِصَدَقِ الْإِرَادَةِ مُجَالِسُونَ، وَذَلِكَ بِرَأْفَةِ تَحَنُّنِكَ عَلَيْهِمْ، وَمَا أَسَدَيْتَ مِنْ جَمِيلٍ مَنَّكَ إِلَيْهِمْ.

سرورم، تو اولیایت را از سرگردانی شک‌ها رها نمودی، و رساندی به جان‌هایشان شادی پادشاهان را، و زینت دادی آنان را با زیور وقار و هیبت، و فرو افکندی بر آنان پرده‌های عصمت و توبه را، و گرداندی همت‌هایشان را در ملکوت آسمان، و عطا کردی آنان را به ویژگی‌های فواید و لطف، و گره زدی اراده‌هایشان را با ریسمان محبت، و ممتاز ساختی اندیشه‌هایشان را برای به دست آوردن معرفت، و آنان در خدمتت عمل می‌کنند، و نزد نهی و امر تو توقف‌کننده‌اند، و با مناجات تو مأنوس می‌باشند، و با صدق اراده با تو هم‌نیشن هستند، و آن به لطف مهربانی‌ات بر آنهاست، و آنچه داده‌ای از منت نیکویت به آنان.

سَيِّدِي بِكَ وَصَلُوا إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَبِكَرَمِكَ اسْتَشَعَرُوا مَلَاسِ مَوْلَاتِكَ.

سرورم به وسیله تو به خشنودی‌ات رسیدند، و به بزرگواری‌ات بر تن کردند جامه‌های دوستی‌ات را.

سَيِّدِي فَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَاسَبُهُمْ مِنْ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَلَا تُدْخِلْنِي فِي مَن جَانِبَهُمْ مِنْ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ، وَاجْعَلْ مَا اعْتَقَدْتَهُ مِنْ ذِكْرِكَ خَالِصًا مِنْ شُبهِ الْفِتَنِ، سَالِمًا مِنْ تَمْوِيهِ الْأَسْرَارِ وَالْعَلَنِ، مَشُوبًا بِخَشْيَتِكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ، مُقَرَّبًا مِنْ طَاعَتِكَ فِي الْإِظْهَارِ وَالْإِنْبَاطِ، دَاخِلًا فِيهَا يُؤَيِّدُهُ الدِّينُ وَيَعْصِمُهُ، خَارِجًا مِمَّا تَبْنِيهِ الدُّنْيَا وَتَهْدِمُهُ، مُنْزَهًا عَنِ قَصْدِ أَحَدٍ سِوَاكَ، وَجِيهًا عِنْدَكَ يَوْمَ أَقُومُ لَكَ وَاللِّقَاكَ، مُحْصِنًا مِنْ لَوَاحِقِ الرِّيَاءِ، مُبْرَأً مِنْ بَوَاقِ الْأَهْوَاءِ، عَارِجًا إِلَيْكَ مَعَ

صَالِحِ الْأَعْمَالِ، بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ، مُتَّصِلًا لَاتَنْقَطِعُ بَوَادِرُهُ، وَلَا يُدْرِكُ آخِرُهُ، مُثَبَّتًا عِنْدَكَ فِي الْكُتُبِ الْمَرْفُوعَةِ فِي
عَلِيِّنَ، مُخْزُونًا فِي الدِّيَوَانِ الْمَكْنُونِ الَّذِي يَشْهَدُهُ الْمُقْرَبُونَ، وَلَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.

سرورم پس قرار ده مرا از جمله آنان که به آنها منسوب گشت از اهل طاعتت، و داخل مساز مرا در جمع آنان که از آنها دوری گزیدند از اهل معصیتت، و قرار ده آنچه را معتقد شده‌ام از ذکرت، خالص از شبه‌های فتنه‌ها، سالم از ظاهر سازی پنهان و آشکار، آمیخته با ترس از تو در هر زمانی، نزدیک گردانیده شده به طاعتت در آشکار و پنهان نمودن، وارد شده در آنچه دین، آن را تأیید و نگهداری می‌کند، خارج شده از آنچه دنیا می‌سازد و ویران می‌نماید، پاک گشته از قصد کردن کسی جز تو، آبرومند نزد تو، روزی که به سوی تو بر می‌خیزم و تو را دیدار می‌کنم، نگهداشته شده از عوارض ریا، پاک شده از بدی‌های هواها و هوس‌ها بالا رونده به سوی تو همراه با اعمال نیک، در بامداد و شامگاه پیوسته که دنباله‌هایش قطع نشود، و پایانش دریافت نشود، ثبت شده نزد تو در نامه‌هایی که بالا برده می‌شوند در بهشت برین، نگهداری شده در دیوان پنهان شده‌ای که مقربان آن را شاهد باشند، و جز پاک شدگان بدان تماس ندارند.

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ الْأَصْفِيَاءِ وَالْأَخْيَارِ، وَلَكَ الْخَلْقُ وَإِلَيْكَ الْإِخْتِيَارُ، وَقَدْ أَلْبَسْتَنِي فِي الدُّنْيَا ثَوْبَ عَافِيَتِكَ، وَأَوْدَعْتَ
قَلْبِي صَوَابَ مَعْرِفَتِكَ، فَلَا تُخْلِنِي فِي الْآخِرَةِ عَنْ عَوَاطِفِ رَأْفَتِكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ سَمِلَهُ عَفْوُكَ، وَلَمْ تَنْلَهُ سَطْوَتُكَ.

خداوندا تو سرپرست برگزیدگان و نیکان هستی، و آفرینش از آن تو است و به دست توست اختیار، و پوشاندی مرا در دنیا جامه عافیتت را، و سپردی به دلم درستی شناختت را، پس مرا بی‌نصیب مساز در آخرت از الطاف مهربانی‌ات، و قرار ده مرا از جمله آنان که عفو تو شامل آنان گشته، و حمله خشمت به وی نرسیده باشد.

يَا مَنْ يَعْلَمُ عِلَلَ الْحَرَكَاتِ وَحَوَادِثِ السُّكُونِ، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ عَوَارِضُ الْخَطَرَاتِ فِي مَحَالِّ الطُّنُونِ، اجْعَلْنَا مِنَ
الَّذِينَ أَوْضَحْتَ لَهُمُ الدَّلِيلَ عَلَيْكَ، وَفَسَحْتَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، فَاسْتَشْعَرُوا مَدَارِعَ الْحِكْمَةِ، وَاسْتَطَرَّقُوا سُبُلَ التَّوْبَةِ،
حَتَّىٰ أَنَاخُوا فِي رِيَاضِ الرَّحْمَةِ، وَسَلِمُوا مِنَ الْإِعْتِرَاضِ بِالْعِصْمَةِ، إِنَّكَ وَلِيُّ مَنِ اعْتَصَمَ بِنَصْرِكَ، وَمُجَازِي مَنْ أَدْعَنَ
بُجُوبِ سُكْرِكَ، لِاتَّبَحُلَ بِفَضْلِكَ، وَلَا تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَفَضَّلَ عَطَاؤُكَ، وَتَطَاهَرْتَ نَعْمَاؤُكَ، وَتَقَدَّسَتْ
أَسْمَاؤُكَ، فَبِتَيْسِيرِكَ يَجْرِي سَدَادُ الْأُمُورِ، وَبِتَقْدِيرِكَ يَمْضِي انْقِيَادُ التَّدْبِيرِ، تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ مِنْكَ، وَلَا لِرَاغِبٍ مَنَدُوحَةٌ
عَنكَ.

ای آنکه می‌داند علت‌های حرکت‌ها و پیش آمدهای سکون را، و بر او پنهان نمی‌شود عارض شدن‌های خطورها در محل‌های گمان‌ها، قرار ده ما را از کسانی که آشکار نمودی برای آنان راهنمای به سوی خودت را، و گشاده

نمودی برای آنان راه را به سویت، پس پوشیدند، جامه‌های محکم حکمت را، و در پیش گرفتند راه‌های توبه را، تا اینکه مرکب خوابانند در باغ‌های رحمت، و سلامت یافتند از دور شدن از عصمت، که تو سرپرست هر کسی هستی که پناه جوید به یاری‌ات، و پاداش دهنده‌ای هر کس را که اقرار نماید به وجوب شکرگزاری‌ات، نه بخل می‌ورزی به فضلت، و نه مورد سؤال واقع می‌شوی در کارت، عظیم گشت ستایشت و برتر شد عطایت، و آشکار گردید نعمت‌هایت، و پاک است نام‌هایت، پس با آسان نمودنت کارها به درستی جریان می‌یابند، و با تقدیر تو زمام تدبیر راه برده می‌شود، پناه می‌دهی و از تو پناهی نباشد، و نه رغبت کننده‌ای را فراخنایی جز تو باشد.

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلِي، وَإِلَيْكَ يَفِدُ أَمَلِي، وَبِكَ ثِقَتِي، وَعَلَيْكَ مَعْوَلِي، وَلَا حَوْلَ لِي عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا بِتَسَدِيدِكَ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى طَاعَتِكَ إِلَّا بِتَأْيِيدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

پاکی تو، نیست خداوندی جز تو، بر توست توکلم، و آرزویم بر تو وارد می‌شوم، و به تو باشد اعتمادم، و بر تو متکی هستم، و نیست مرا نیروی مقاومت در برابر معصیت تو جز به توفیق تو، و نه قدرتی است مرا بر طاعتت جز به کمک و یاری‌ات، نیست خداوندی جز تو، پاکی تو و همانا من بوده‌ام از ستمکاران.

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَصْحَابِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا، وَحَسَبْنَا اللَّهَ وَحَدَّهُ، وَنِعْمَ الْمَعِينُ.

ای مهربان‌ترین مهربانان، و بهترین آمرزندگان، و صلوات خداوند بر محمد خاتم پیامبران و بر اهل بیت پاکش و یاران برگزیده‌اش، و سلام فراوان بر آنان باد، و کافی است ما را خداوند یکتا، و بهترین یاور است.

يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيَا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى وَيَا خَيْرَ مُرْتَجَى ارْزُقْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ وَاسِعِ رِزْقِكَ، رِزْقًا وَاسِعًا مُبَارَكًا طَيِّبًا حَلَالًا لَا تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ، وَسَبَّبَ لِي ذَلِكَ مِنْ فَضْلِكَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای بهترین خواننده شده و ای بهترین درخواست شده و ای گسترده‌ترین عطا کننده، و ای بهترین مایه امید، روزی ده مرا، و بگستران بر من روزی گسترده‌ات را، روزی گسترده مبارک پاک حلالی که عذاب نکنی مرا بر آن، و مهیا کن آن را برایم از فضلت که تو بر هر چیزی توانا هستی، ای مهربان‌ترین مهربانان.